می‌خواهم توبه کنم

امّا...

(أريد أن أتوب ولكن...)

باللغة الفارسية

تأليف:

محمد صالح المنجد

ترجمه:

ابراهيم احراری خلف

شناسنامه کتاب

نام کتاب:	مي‌خواهم توبه کنم امّا!!
تألیف:	محمد صالح المنجد
ترجمه:	ابراهیم احراری خلف
سال چاپ:	۱۳۹۲ هـ . ش / ۱٤۳٥ هـ . ق
نوبت چاپ:	دوم

سایت های مفید:

www.aqeedeh.com

www.islamhouse.com

www.sadaislam.com

www.videofarsi.com

www.islamtxt.net

www.mowahedin.com



contact@mowahedin.com

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

شاید فردا دیر باشد!

زیباترین و لطیف‌ترین ستایش‌ها از آن خداوندی است که سفره‌ی توبه‌اش را گشوده تا در انتظار مهمان‌ها تا پایان هستی بماند. شاید که دردمندی، بی‌پناهی یا گرسنه‌ای بدان روی آورد. به همراه پاکترین درودها و دعاهای صمیمانهه به رحمت جهانیان آن سروش بشارت رهایی و تمامی ره‌پویان بی‌آلایشش. دیو سیاهی و تباهی بر کران تاکران زندگی بشریت سایه انداخته و لحظه‌ای نیست که خالی از دامی یا توطئه‌ای باشد!

صد هزاران دام و دانه ست ای خدا   ما چون مرغان حریص و بی‌نوا
دمبدم ما بسته دام نویم   هریکی گرباز و سیمرغی شویم
می‌رهانی هر دمی مارا و باز   سوی دامی می‌رویم ای بی‌نیاز

شب‌پرستان تیره‌بخت کوردل لحظه‌ای خاموش ننشسته تا شاید دیگر شاهد سعادت و شادمانی نورخواهان نباشند!

لیک در ظلمت یکی دزدی نهان   می‌نهد انگشت بر استارگان
می‌کُشد استارگان را یک بیک   تا که نفروزد چراغی از فلک

اما آگاه باش و بدان، آن نور جاودانی از بی‌نهایت تابی نهایت با انواری بی‌کران و بی‌انتها بر تاج و تخت موهوم و بی‌بنیاد خودپرستان تیره‌روز می‌کوبد تا مژده رهایی به خودیافتگان سعادت طلب داده که ای عزیزان و بندگانم ناامید نشوید و برخیزید که تنها نیستید.

گــــر هـــزاران دام باشـــد در قـــدم   چون تو بـا مـایی نباشـد هـیچ غـم
چــون عنایاتــت بــود بـا مـا مقـیم   کسی را نبود بیمـی از آن دزد لئـیم

«**مولانا رومی**»

آیا کسی یافت می‌شود که نیازی به نور سعادت نداشته باشد؟!

آیا انسانی را یافت می‌شود که اشتباه و خطا نکرده باشد؟!

حال بازگرد که سفره الهی برای پذیرایی از نادمان و گنهکاران همچنـان گشوده است برخیز و تشنه و گرسنه خود را بر این محفل بِزَن، شاید فـردا دیر باشد؟!

آیا کسی را می‌شناسی که بداند تا کی از زندگانی بهره‌مند خواهد بود؟! پس تو چرا خود را آنچنان نشان می‌دهی که گویا تـا فـردا خـواهی بـود؟! بدان که هرچه بار گناهت سنگین و پرخطر باشد نباید از بازگشت به سوی پروردگارت غفلت کرده و سهل‌انگاری کنی! زیرا آن خالق حکیمی کـه مـا را آفریده، بهتر از هرکس دیگر از فطرت و توان ما آگـاه اسـت و دام‌هـا و توطئه‌ها را از طراحان آن بهتر می‌شناسد. بدین سبب اسـت کـه بـا برنامـه توبه تمامی این نقشه‌ها را خنثی کرده و نابود می‌سازد، بنگر کـه چـه زیبـا رسول رحمت این برنامه نجات را به تصویر می‌کشد: «**وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَمْ تُذْنِبُوا لَذَهَبَ اللهُ بِكُمْ، وَلَجَاءَ بِقَوْمٍ يُذْنِبُونَ، فَيَسْتَغْفِرُونَ اللهَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ**»[1] (سوگند به کسی که جانم در دست اوست، اگر شما گناه نمی‌کردید، حتمـاً خداوند متعال شما را می‌برد و «به جای شما» قـومی را مـی‌آورد کـه گنـاه

۱- این حدیث را امام مسلم رحمه الله روایت کرده است.

کنند و به دنبال آن از خداوند متعال طلب بخشش و استغفار کنند تا او نیز آنان را مغفرت کرده و ببخشد).

این حدیث برخلاف گمان بعضی از بیماران و کج‌فهمان، تشویقی به گناه و معصیت نیست، بلکه با بهترین الفاظ و کمترین عبارات توانسته است قلب‌های پژمرده و ناامید از بازیافتن و حرکت‌کردن را به تولد و تحرکی جدید وا دارد و از جانب دیگر نشان دهنده میزان، دامنه، گسترش و فراگیری رحمت‌های آن خالق مهربان و دلسوز باشد که هرگاه به او روی آوردی او نیز از تو نه تنها روی‌گردان نخواهد بود، بلکه به سویت شتاب کرده و با شادمانی هرچه تمامتر در آغوشت خواهد گرفت......

در باب توبه و فضایل آن تاکنون کتاب‌های فراوانی به زیور طبع آراسته شده و هرکدام به نوعی به این موضوع پرداخته اند به ویژه کتاب «توبه‌کنندگان» تألیف محدث بزرگ «ابن قدامه رحمه الله» که در نوع خودش کتابی بسیار ارزنده و گرانبهاست، خصوصاً که ترجمه‌ی آن به فارسی این فرصت را برای فارسی‌زبانان فراهم آورده تا بتوانند از حکایات آن بهره‌مند شوند. اما ای کاش در ترجمه آن، بررسی و تحقیق احادیث همانگونه که در چاپ‌های عربی وجود دارد ملحوظ می‌شد و خوانندگان محترم احادیث ضعیف و موضوع در این باب را از احادیث صحیح باز می‌شناختند. تا در شناخت مفاهیم دینی به کج راهه و خرافات و اباطیل نیفتند... اما این کتابچه با وجود حجم کم، توانسته است به بهترین وجه و در کوتاهترین عبارت‌ها، بندگان بی‌پناه و نافرمان را به رحمت‌های الهی امیدوار ساخته و احکام و بشارت‌های موجود در دین را در صحیح‌ترین

احادیث و سـخن‌هـا بـه خواننـدگان عرضـه نمایـد بـویژه وجـود چنـین کتاب‌هایی که متکی بر قرآن و سنت صحیح می‌باشد در ایـن بـازار آشـفته اندیشه که هر نوع جنس تقلبـی و بـدلی تحـت عنـوان جـنس اصـلی بـه مشتریان عرضه می‌شود را باید غنیمت شمرد، زیرا یافتن کالاهایی اصیل و خالص از میان هزاران ناخالص دشوار است و تـا زمـانی کـه بشـریت راه شناخت اصلی از بدلی را نشناسند و به دنبال دست‌فروشـان و حقـه‌بـازان بدل ساز بیفتند سرنوشتی بهتر از این نخواهند داشت. چه بسیار انسان‌هایی که در جستجوی پادزهر، زهرها را نوشیده و به هلاکت رسیده‌اند!!!...

بله تنها راه نجات بشریت سرگردان در طول زمان، بازگشت صادقانه و عملی به کتاب خدا و سنت ثابت شده و صـحیح رسـول خـداﷺ بـدون هرگونه پیرایه، ظاهر فریبی، تفرق‌طلبی و مردم‌فریبـی اسـت و ایـن قـانون الهی است که یقیناً آنچه بعد از حق میآید (از حق عدول مـی‌کنـد) چیـزی جز گمراهی و سرگردانی نیست.

امیدوارم پروردگار مهربان و بسیار آمرزنده ایـن ترجمـه نـاتوان و غیـر دقیق را کفّاره گوشه‌ای از گناهان و اشتباهات این بنـده خطاکـار، ضـعیف النفس و عجول قرار دهد و سبب امید و هدایت بندگان بی‌پناهش بگرداند.

در خاتمه شایسته است ضمن دعای خیر بـرای تمـامی کسـانی کـه در طول تاریخ احیاگر اندیشـه راسـتین دیـن بـوده انـد یـادی از بنـده سـاده، بی‌توقع، دانشمند علوم اسلامی و حدیث، حافظ قرآن، استاد عملی اخلاق، عبادت، رفتار و آزادی دکتر احمد سیّاد رحمه الله داشته باشم کـه بـه حـق

توانست چشمان تاریک را به منبع نور و سعادت محمدی رهنمـون سـازد. «قبرش پرنور، پاداش گرامی و دعوتش پایدار و جاودانی باد».

ابراهیم احراری خلف

۲۴/ ۱ / ۷۸ هجری شمسی

مطابق با ۲۸ ذیحجه ۱۴۱۹ هجری قمری

مقدمه

إن الحمد لله، نحمده ونستعينه، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله، أما بعد[1].

این را بدانید که خداوند بخشنده به تمامی مؤمنان فرمان داده است که توبه کنند.

﴿وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١﴾ [النور: ٣١]

«ای مؤمنان! همگی به سوی خدا برگردید (و از مخالفت‌هایی که در برابر خدا داشته‌اید توبه کنید) تا – شاید – رستگار شوید».

و همچنین بندگانش را تنها به دو گروه تقسیم کرده است و در آنجا گروه سومی وجود ندارد.

١- به راستی تمامی ستایش‌ها و تمجیدها ویژه خداوند متعال است، و فقط او را ستایش و تمجید می‌کنیم و تنها از و یاری می‌طلبیم، هرکسی را که پروردگار مهربان هدایت کند هیچکس نمی‌تواند او را گمراه و منحرف سازد و هرکس را هم گمراه و سرگردان کند هیچ هدایت‌کننده‌ای به فریادش نمی‌رسد و شهادت می‌دهم که هیچ معبودی (فریادرس، شفادهنده، روزی‌دهنده، اجابت کننده، قانون‌گذار، محبوب حقیقی، حاکم، فرمانروا و....) وجود ندارد مگر الله که تک و تنها و بی‌همتا و بی‌شریک و هماورد می‌باشد. و این که محمد ﷺ بنده و فرستاده‌اش می‌باشد، این جملات سبب مسلمان‌شدن صحابه بزرگوار «ضماد آزدی» شد آن هم زمانی که آن‌ها را مستقیماً از رسول خدا ﷺ شنید. (مختصر صحیح مسلم حدیث شماره ٤٠٩).

﴿وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١﴾ [الحجرات: ۱۱]

«کسانی که از اعمال‌شان – اعمالی که خلاف برنامه الهی است – دست برندارند – و به سوی پروردگارشان و برنامه‌های او – باز نگردند و توبه نکنند حتماً از ستمگران و ظالمان می‌باشند».

الان زمانی است که بسیاری از مردم از دین راستین خدا دور گشته اند و عصیان و نافرمانی عمومی شده و انواع فساد گسترش یافته است. تا آنجا که کسی باقی نمانده، مگر آن که به نوعی از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها آلوده شده است، جز آنانی که خداوند مهربان حفاظت‌شان کرده و حمایت‌شان می‌کند.

با وجود این خداوند بخشنده نمی‌پسندد واکراه دارد، مگر آن که نورش را – هدایت و برنامه‌اش – را فراگیر ساخته و به پایان برساند در این حالت است که بسیاری از انسان‌ها از خواب غفلت برخاسته و بسترهای گناه و کوتاهی را رها کرده و درمی‌یابند که حقوق الهی را آنگونه که سزاوارش بوده نشناخته و رعایت نکرده و در انجام تکالیف سستی و کوتاهی کرده اند و بر زیاده‌روی و عصیان و سرکشی خویش پشیمان شده و انگشت ندامت بر دهان می‌گزند حالا زمانی است که کاروان‌های آنان رو به سوی جاده اصلی و مستقیمی که روشنایی توبه در انتهای آن است قصد کرده و حرکت می‌کنند. و از جانب دیگر، گروهی هم از زندگی پرمشقت و فشارهای آن خسته و افسرده شده اند، پس آگاه و هوشیارباش که اینان نیز به دنبال راهی می‌گردند تا بتوانند از تاریکی‌ها و بدبختی‌ها خارج شوند و به نور و آسایش و آرامش راه یابند.

اما در راه هر گروهی از این کاروان موانعی پدیدار می‌گردد که گاه گمان می‌کنند که بین آنان و توبه حائل شده و فاصله ایجاد می‌کنند، تعدادی از این موانع در نفس و ضمیر انسان می‌باشند و تعدادی نیز در محیط بیرونی و واقعیت زندگی موجود می‌باشند.

به خاطر اینگونه موانع این کتاب را نوشتم به امید آن که بتواند هر پوششی را بردارد و هر ابهام و شبهه‌ای را برطرف کند، و یا حکم آنرا بیان کند و یا سبب شکست توطئه‌های و نابودی تلاش‌های وسوسه‌انگیز شیطان باشد.

این کتاب شامل مقدمه‌ای است در خطرات کم‌ارزش‌دانستن و سبک‌شمردن گناهان و به دنبال آن شرحی در مورد شرایط توبه می‌باشد، سپس به درمان‌های روانی و نفسی آن می‌پردازد و در پایان فتواهایی برای توبه‌کنندگان براساس قرآنکریم و سنت صحیح و سخنان دانشمندان آورده شده است.

از خداوند متعال عاجزانه و خاضعانه می‌خواهم که مرا و برادران مسلمانم را با این کلمات اندک بهره‌مند سازد. مرا همین اندازه که از جانب آنان دعایی صحیح و نیکو و نصیحتی صادقانه و راستین باشد کافی است. و تنها خداوند مهربان و بی‌همتا است که گناهان‌مان را می‌بخشاید.

محمد صالح منجّد

اصل این کتابچه، سخنرانی است که در ۲۷ ربیع الأول سال ۱۴۰۹ هـ. ق توسط نویسنده ایراد شده است.

مقدمه‌ای در خطر سبک‌شمردن گناهان

بدان – خداوند به من و تو رحم کند – که الله عزوجل تمامی بنـدگان را در حکمی واجب فرمان داده است که توبه‌ای خالصانه بکنند.

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا...﴾ [التحریم: ٨]

«ای مؤمنان! به درگاه خدا برگردید و توبه‌ای خالصانه بکنید...»[١].

ابتدا خداوند بلندمرتبه مهلتی را برای توبه به مـا بخشـیده اسـت آن هـم دقیقاً زمانی است قبل از آن که «کـرام الکـاتبین»[٢] مشـغول ثبـت اعمـال در پرونده‌مان شوند. رسول رحمت ﷺ مـی‌فرمایـد: «**إِنَّ صَـاحِبَ الشِّـمَالِ لِيَرْفَـعُ الْقَلَمَ سِتَّ سَاعَاتٍ عَنِ الْعَبْدِ الْمُسْلِمِ الْمُخْطِئِ، فَإِنْ نَدِمَ وَاسْتَغْفَرَ اللهَ مِنْهَـا أَلْقَاهَـا، وَإِلَّا كُتِبَتْ وَاحِدَةً**»[٣] «بدانید که همراه سـمت چـپ انسـان – فرشـته‌ای کـه اعمال بد انسان را ثبت می‌کند – قلمش را شش ساعت [٤] از بنده و مسلمان خطاکار برمی‌دارد، اگر او پشیمان شده و از خداوند متعال طلـب بخشـش و استغفار کرد قلمش را می‌گذارد و گرنه یک گناه برای او می‌نویسد».

١- تفسیر نور ص ٦٧٧.

٢- کرام الکاتبین فرشتگانی هستند کـه وظیفه‌شـان ثبـت اعمـال و رفتـار و نیّـات(خیر) انسـان در دیوان‌های مخصوص می‌باشد.

٣- این حدیث را طبرانی و بیقهی در «شعب الإیمان» روایت کرده اند. و آلبانی آن را «حسن» قرار داده است (سلسلة الأحادیث الصحیحة ١٢٠٩).

٤- احتمال دارد همین ساعت مشهور شبانه روز باشد یا آن که مدت انـدکی از شـب یـا روز باشـد (لسان العرب، ماده «سوع» و فیض القدیر از مناوی).

اما مهلت بعدی، از زمان ثبت گناه تا قبل از فرا رسیدن اجـل انسـان – لحظه مرگ – انسان ادامه دارد.

مشکل و مصیبت بسیاری از انسان‌هـا امـروز ایـن اسـت کـه بـرای الله عظمت، هیبت و شکوهی قائل نمی‌شـوند و شـبانه روز بـا انـواع گناهـان نافرمانی و عصیانش را می‌کنند! کسی را می‌بینی که نزد خـودش بعضـی از گناهان صغیره را کوچک و ناچیز می‌شمارد و مثلاً می‌گوید: نگاه‌کـردن یـا دست‌دادن با نامحرم و بیگانه چه اشکالی (زیانی) دارد!

انسان امروز خود را با نگاه‌کردن به عکس‌ها و مطالب حرام و نامشروع در مجلات و مجموعه‌های زمان‌ها و داستان‌های عشقی سرگرم می‌کنـد تـا آنجا که تعدادی از مردم آنگاه کـه از حـرام‌بـودن عملـی یـا رفتـاری آگـاه می‌شوند با تحقیر و بی‌توجهی می‌پرسند: گناه آن چه اندازه اسـت؟! آیـا از گناهان کبیره است یا صغیره؟!

حال که با این واقعیت آشنا شدی بین آن و این دو روایـت را کـه امـام بخاری رحمه الله در کتاب صحیحش نقل می‌کند مقایسه کن:

انس بن مالک ﷺ خادم و صحابی بزرگوار رسـول خـدا ﷺ روزی بـا تعجب و شگفتی می‌گوید: «شما امروز کارهایی را انجام مـی‌دهیـد کـه در نظرتان از مویی هم نازکتر و کم‌ارزشتر می‌باشد در حالی کـه مـا در زمـان رسول خدا ﷺ آن‌ها را عامل نابودی و هلاکت خویش می‌دانستیم».

عبدالله بن مسعود ﷺ این صحابی صادق و دانشمند رسـول الله ﷺ در باره حالت مؤمنان و فاجران در مقابل گناهان می‌گوید: «مؤمن گناهـانش را چنان می‌بیند که گویا در زیر کوهی عظیم نشسته است و هـرآن مـی‌ترسـد

که آن کوه بر روی او سقوط کند. اما شخص فاجر و بدکار گناهانش را همانند مگسی می‌بیند که از جلوی بینی‌اش می‌گذرد و با دست آن را از خود دور می‌کند (و می‌گوید: دور شو)!».

آیا آنانی که گناهان خویش را کوچک و بی‌ارزش می‌نگارند، می‌توانند الان با خواندن این حدیث رسول خداﷺ میزان خطرات این رفتارشان را محاسبه کنند! «**إِيَّاكُمْ وَمُحَقَّرَاتِ الذُّنُوبِ، فَإِنَّمَا مَثَلُ مُحَقَّرَاتِ الذُّنُوبِ كَمَثَلِ قَوْمٍ نَزَلُوا بَطْنَ وَادٍ، فَجَاءَ ذَا بِعُودٍ، وَجَاءَ ذَا بِعُودٍ، حَتَّى حَمَلُوا مَا أَنْضَجُوا بِهِ خُبْزَهُمْ، وَإِنَّ مُحَقَّرَاتِ الذُّنُوبِ مَتَى يُؤخَذُ بِهَا صَاحِبُهَا تُهْلِكْهُ» وَفِي رِوَايَةٍ:** «**إِيَّاكُمْ وَمُحَقَّرَاتِ الذُّنُوبِ، فَإِنَّهُنَّ يَجْتَمِعْنَ عَلَى الرَّجُلِ حَتَّى يُهْلِكْنَهُ**»[۱] (از انجام گناهان کوچک برحذر باشید، زیرا مثال گناهان کوچک همانند داستان گروهی است که در بیابانی فرود آمده اند و کم کم قطعات کوچک چوب را می‌آورند تا آنقدر جمع کنند که بتوانند نان‌هایشان را بر روی آتش آن‌ها به خوبی بپزند – این را بدانید – که هرگاه گناهان کوچک محاسبه شوند صاحب آن گناه را نابود و هلاک می‌سازند).

علماء یادآور شده اند که گاهی گناهان صغیره به علت همراه‌شدن با بی‌شرمی و عدم توجه به آن و ترس از خدا و کم‌ارزش‌دانستن آن؛ به گناهان کبیره ملحق می‌شود یا در مرتبه آن‌ها قرار می‌گیرد. بدین خاطر است که گفته شده است: هیچ گناه صغیره‌ای با اصرار و تداوم آن وجود ندارد و هیچ گناه کبیره‌ای هم با استغفار و بخشش از آن وجود ندارد[۲]. به

۱- این حدیث را امام احمد روایت کرده است (صحیح الجامع ۲٦۸٦ – ۲۶۸۷).

۲- یعنی در اثر تکرار، گناه صغیره محو شده و به گناه کبیره تبدیل می‌شود و در اثر ندامت و پشیمانی و استغفار هم گناهان کبیره محو شده و بخشیده می‌شوند.

کسی که حالش چنین است می‌گوئیم: نگاه نکن به کوچکی گناه، اما بنگر که از چه کسی نافرمانی می‌کنی.

این سخنانی است که اگر خداوند بخواهد انسان‌های صادق از آن بهره خواهند گرفت، کسانی که احساس گناه و کوتاهی می‌کنند و در گمراهی‌شان سرگردان و آشفته نبوده و بر باطل‌شان اصرار نورزیده و پافشاری نمی‌کنند.

این سخنان برای کسانی است که به این پیام‌های الهی ایمان دارند:

﴿۞نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٤٩﴾ [الحجر: ۴۹]

«(ای پیغمبر) بندگان مرا آگاه کن که من دارای گذشت زیاد و مهر فراوان هستم (در حق کسانی که توبه بکنند و ایمان بیاورند و کار نیک انجام دهند)».

﴿وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ ٥٠﴾ [الحجر: ۵۰]

«و این که عذاب من (در حق سرکشان بی‌ایمان) عذاب بسیار دردناکی است (و عذاب‌های دیگر در برابرش عذاب نیست)»[1].

۱- تفسیر نور صفحه ۲۹۰.

شرایط توبه‌کردن و عوامل تکمیلی آن

کلمه توبه، کلمه‌ای بسیار بزرگ و با عظمت است و دارای اشارت و مفاهیم عمیقی می‌باشد، نه آنگونه است که بسیاری گمان می‌کنند که فقط ذکر الفاظی بر زبان است و سپس باز تداوم و ادامه گناه! در این پیام الهی اندکی بیندیش!

﴿وَأَنِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ﴾ [هود: ٣]

«این که از پروردگارتان طلب آمرزش کنید و به سوی او برگردید (توبه کنید)»[1] می‌بینی که توبه در اینجا امری اضافه بر استغفار می‌باشد.

این را بدان که هر کار بزرگی به ناچار نیازمند شرایطی می‌باشد. بدین سبب علما شرایطی را که برگرفته از آیات قرآن و سنت صحیح می‌باشد ذکر کرده اند. این موارد یادآوری تعدادی از آن‌ها است:

اوّل: بلافاصله و بی‌درنگ از گناه دست‌کشیدن و ترک آن.

دوّم: ندامت و پشیمانی بر آنچه که گذشته است.

سوّم: ارده و تصمیمی قاطع و جدی بر عدم ارتکاب آن گناه.

چهارم: بازگرداندن حقوق آنانی که مورد ظلم واقع شده اند یا درخواست بخشش و حلالی از آنان.

١- تفسیر نور صفحه ٢٣٦.

همچنین دانشمندان موارد دیگری را برای شرایط توبه‌ای نصوح - صمیمانه و صادقانه - بیان داشته اند که تعدادی از آن‌ها را به همراه مثال می‌آوریم: اوّل: این که ترک گناه فقط برای الله باشد نه چیز دیگری، مانند: نداشتن توانایی بر انجام آن گناه یا بازگشت به آن حالتی که قبلاً بوده است، یا ترس از زبان و سخنان مردم. به عنوان مثال: تائب[۱] نامیده نمی‌شود کسی که گناه را به خاطر مقام و شهرتش در بین مردم ترک می‌کند یا ممکن است به خاطر آن گناه از شغل و کارش اخراج گردد.

تائب نامیده نمی‌شود کسی که گناه را به خاطر بهداشت و سلامتی و نیروی جسمانی و روحانی‌اش ترک می‌کند. مانند کسی که عمل زنا و فحشاء را به علت بیماری‌های واگیر کشنده و ناتوان‌کننده ترک می‌کند یا آن که این عمل جسم و حافظه او را ضعیف و ناتوان می‌کند.

تائب نامیده نمی‌شود کسی که دزدی و سرقت را به خاطر آن که راهی برای نفوذ به منازل نمی‌یابد ترک می‌کند یا آن که نمی‌تواند گاو صندوقی را باز کند و یا آن که از نگهبان و پلیس می‌ترسد.

تائب نامیده نمی‌شود کسی که گرفتن رشوه را به خاطر ترس از آن که مبادا رشوه‌دهنده از گروه پیکار با ارتشاء (عمل رشوه‌دادن و گرفتن) باشد ترک می‌کند.

تائب نامیده نمی‌شود کسی که شراب‌خوردن و اعتیاد به تریاک و سیگار و سایر مواد مخدّر را به خاطر فقر و عدم توان مالی یا مفلس‌شدنش ترک می‌کند. همچنین تائب نامیده نمی‌شود کسی که از انجام عمل گناهی که

۱- کسی که توبه می‌کند.

خارج از توان و اراده‌اش است عاجز و ناتوان می‌باشد، مانند دروغگو آن هنگامی مبتلا به بیماری می‌شود که توان سخن‌گفتن را از دست می‌دهد یا زانی و بدکاری که قدرت و توان جنسی بر همخوابگی را از دست می‌دهد یا سارق و دزدی که بر اثر حادثه‌ای اعضای بدنش را از دست می‌دهد.

البته این افراد باز چاره‌ای جز پشیمانی و ندامت ندارند و باید آرزوی معصیت و گناه را از دل‌شان خارج کنند و بر آنچه که گذشته است تأسف و اندوه بخورند بدین سبب است که رسول رحمت ﷺ فرموده است: «**النَّدَمُ توبةٌ**»[۱] یعنی «پشیمانی خودش توبه می‌باشد».

این را بدان که خداوند شخص عاجز و ناتوانی را که آرزوی گناه دارد و آن را به زبان می‌آورد مقامش را به اندازه فاعل آن گناه، پایین می‌آورد. آیا این سخن رسول خدا ﷺ را نشنیده‌ای!

«**إِنَّمَا الدُّنْيَا لِأَرْبَعَةِ نَفَرٍ، عَبْدٍ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا وَعِلْمًا فَهُوَ يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ، وَيَصِلُ فِيهِ رَحِمَهُ، وَيَعْلَمُ لِلَّهِ فِيهِ حَقًّا، فَهَذَا بِأَفْضَلِ الْمَنَازِلِ، وَعَبْدٌ رَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمًا وَلَمْ يَرْزُقْهُ مَالًا فَهُوَ صَادِقُ النِّيَّةِ، يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالًا لَعَمِلْتُ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَهُوَ بِنِيَّتِهِ، فَأَجْرُهُمَا سَوَاءٌ، وَعَبْدٍ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا وَلَمْ يَرْزُقْهُ عِلْمًا، وَيَخْبِطُ فِي مَالِهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ لَا يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ، وَلَا يَصِلُ فِيهِ رَحِمَهُ، وَلَا يَعْلَمُ لِلَّهِ فِيهِ حَقًّا، فَهَذَا بِأَخْبَثِ الْمَنَازِلِ، وَعَبْدٍ لَمْ يَرْزُقْهُ اللَّهُ مَالًا وَلَا عِلْمًا فَهُوَ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالًا لَعَمِلْتُ فِيهِ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَهُوَ بِنِيَّتِهِ، فَوِزْرُهُمَا سَوَاءٌ...**»[۲].

۱- این روایت را امام احمد و ابن ماجه نقل کرده اند (صحیح الجامع ٦٨٠٢).

۲- این روایت را امام احمد ذکر کرده است و ترمذی آن را صحیح قرار داده است (صحیح الترغیب و الترهیب ۱ / ۹).

«جز این نیست که دنیا از آن چهار نفر است:

بنده‌ای که خداوند به او ثروت و علم داده است [۱] و او نیز به خاطر آن از پروردگارش می‌ترسد و صله رحم (ارتباط خویشاوندی) را به جای می‌آورد (و حق نزدیکانش را ادا می‌کند) و می‌داند که خداوند در آن حقی دارد، چنین فردی در بالاترین و بهترین جایگاه‌ها قرار دارد.

بنده‌ای که خداوند به او علم و دانش ارزانی داشته و اما ثروتی نداده است، ولی نیّتش صادقانه است و می‌گوید: اگر ثروت می‌داشتم حتماً همانند فلان شخص (عالم ثروتمند) عمل می‌کردم، پس او نیز براساس نیتش محاسبه خواهد شد و پاداش این دو فرد مساوی است. (این شخص نیز در بالاترین و بهترین جایگاه‌ها قرار دارد).

بنده‌ای که خداوند به او ثروت داده، اما علم و دانش ارزانی نداشته است، پس در ثروتش غرق شده و فرو می‌رود بدون دانش و آگاهی و بدون آن که از پروردگارش در ارتباط با آن ترس و بیمی داشته باشد، و صله رحم – ارتباط خویشاوندی – را به جای نمی‌آورد (حق نزدیکانش را ادا نمی‌کند) و نمی‌داند که خدا در آن - ثروت - حقی دارد. بنابراین، چنین فردی در پست‌ترین و کثیف‌ترین جایگاه‌ها قرار دارد.

بنده‌ای که خداوند به او نه ثروت داده است و نه علمی، و می‌گوید: اگر ثروت می‌داشتم حتماً همانند فلان شخص «ثروتمند بی‌علم» عمل

۱- علم در اینجا دانشی است که انسان حلال را از حرام تشخیص می‌دهد و توسط آن حقوق خدا و دیگران را می‌شناسد و می‌داند که ثروت و هرچیز دیگر در دست انسان به عنوان امانت و آزمایش می‌باشد. (م).

می‌کردم، او نیز براساس نیتش محاسبه خواهد شد و این دو فرد در بار گناه مساوی هستند. (این شخص نیز در پست‌ترین و کثیف‌ترین جایگاه‌ها قرار دارد).

دوّم: زشتی و زیان‌های گناه را احساس کند.

این بدان معنا است که هنگام توبه صحیح و راستین امکان ندارد انسان آنگاه که گناهان گذشتهایش را به یاد می‌آورد احساس لذت و شادمانی کرده یا آرزو کند که در آینده نیز چنین واقعه‌ای برایش تکرار شود.

ابن قَیم جوزی رحمه الله در کتاب «الدَّاء وَالدَّواء» و کتاب «الفَوَائِد» زیان‌های زیادی را برای گناهان برشمرده است که بخشی از آن‌ها عبارتند از:

۱- محروم‌شدن از دانش و علم. ۲- وحشت و تنهایی درون جان و قلب انسان. ۳- سخت و دشوارشدن کارها. ۴- سستی و ناتوانی بدن. ۵- محروم‌شدن از اطاعت و فرمانبرداری. ۶- از بین‌رفتن خیر و برکت. ۷- کم‌شدم توفیق. ۸- تنگ‌شدن سینه و بی‌حوصلگی. ۹- زایش و افزون‌شدن گناهان. ۱۰- اعتیاد به گناهان. ۱۱- کم‌ارزش‌شدن گناهکار نزد الله. ۱۲- کم‌ارزش‌شدنش نزد مردم. ۱۳- نفرین و لعنت چهارپایان بر گناهکار. ۱۴- پوشیدن لباس ذلت و خواری (خوار و خفیف‌شدن). ۱۵- بر قلب مهر خوردن و قرارگرفتن در نفرین ابدی و لعنت. ۱۶- عدم پذیرفته‌شدن و قبولی دعاها. ۱۷- گسترش فساد در خشکی و دریا و از بین‌رفتن غیرت. ۱۸- از بین‌رفتن شرم و حیا. ۱۹- پایان‌پذیرفتن و برچیده‌شدن نعمت‌ها. ۲۰- فرود غم‌ها و بلایا و مصیبت‌ها. ۲۱- ایجاد

ترس و وحشت در قلب نافرمان و گناهکار. ۲۲- افتادن در اسارت و دام‌های شیطان. ۲۳- عاقبت به خیر نشدن. ۲۴- عذاب دردناک و جاودانی آخرت.

این شناخت بنده از گناهان او را در شرایطی قرار می‌دهد که به طور کلی از هر گناهی دوری گزیند.

اما گروهی از انسان‌ها به عواملی که تعدادی از آن‌ها ذکر می‌شود از گناهی به گناهی دیگر روی آورده و خود را به نوعی دیگر آلوده می‌سازند:

می‌پندارند که آن گناه، جرم و کیفرش سبک‌تر است.

نفس انسان به آن گناه تمایل بیشتری نشان می‌دهد و شهوت در آن قوی‌تر می‌باشد.

شرایط برای انجام آن گناه از گناه قبلی فراهم‌تر و آسان‌تر می‌باشد برخلاف گناه و نافرمانی که نیاز به آمادگی و تجهیزات دارد و اسباب و شرایط آن حاضر و فراهم و فراوان نمی‌باشد.

زیرا دوستان و همنشینانش مرتکب آن گناه می‌شوند و برای او جدایی از آنان بسیار دشوار و ناگوار می‌باشد.

گاهی گناه و نافرمانی مشخص برای فرد در میان دوستان و یارانش سبب شهرت و مقام و پست می‌گردد، و برای او سخت خواهد بود که آن شرایط ظاهراً خوب را از دست بدهد. و بنابراین، در انجام آن گناه اصرار و پافشاری می‌کند. همانگونه که این اتفاق در میان بعضی از گروه‌ها و باندهای شرارت، قاچاق، تروریستی، فساد و تباهی پیش می‌آید. به عنوان مثال، روزی «ابو العَتَاهية» شاعر زاهد و ناصح و واعظ، ابونُواس را که شاعری بی‌شرم و گستاخ

بود نصیحت کرده و به خاطر گستاخی و بی‌پروائیش در عصیان سرزنش کرد، اما «ابونُواس در جواب او این ابیات را سرائید:

أتراني يـا عتـاهي تاركـــا تلـــك
أتـرانـــي مفســدا الملاهـــــي
بالنســـــك عند القوم جـاهي

آیا تو معتقدی ای ابو العتاهیه که من این رفتار و سرگرمی‌هـا را رها کنم!

آیا نمی‌بینی مرا کـه بـا فاسـدگردانیدن عبـادات در نـزد قـوم دارای جاه و مقام می‌باشم!

سوم: بنده سریعاً توبه کند.

زیرا تأخیر در توبه خودش نوعی گناه می‌باشد که نیاز به توبه دارد.

چهارم: از قبولی توبه‌اش و نقایص آن بترسد.

قطعاً نپذیرد که توبه‌اش پذیرفته شده و نسبت به رفتارش مغرور گـردد و خود را از مکر و عذاب الهـی در امـان بدانـد! (زیـرا تنهـا زیانکـاران و کافران هستند که خود را از عذاب الهی در امان می‌بینند).

پنجم: به جای‌آوردن و اصلاح‌کردن آنچه که از حقـوق الهـی از دسـت رفته است. اگر برایش امکان داشته باشـد.ماننـد دادن زکـات‌هـایی کـه در گذشته پرداخت نکرده است و یا آن صـدقاتی کـه از حقـوق نیازمنـدان و نزدیکان نداده است.

ششم: مکان و محـل گنـاه را تـرک کنـد، هرگـاه احتمـال آن بـرود کـه وجودش در آن محل سبب شود، برای بار دیگر در آن گناه و معصیت بیفتد.

هفتم: کسانی را که او را بر انجام گناه یاری می‌کنند، ترک گوید.

(این مورد و مورد قبلی از حدیث قاتل صد نفر گرفته شده است که در فصل‌های بعدی ماجرای آن خواهد آمد).

پروردگار متعال می‌فرماید:

﴿ٱلۡأَخِلَّآءُ يَوۡمَئِذِۢ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلۡمُتَّقِينَ ۝٦٧﴾ [الزخرف: ۶۷]

«دوستان در آن روز – قیامت – دشمنان یکدیگر خواهند شد، مگر پرهیزکاران»[۱].

دوستان بد در روز قیامت یکدیگر را نفرین و لعنت خواهند کرد، بدین سبب ای توبه‌کننده – تائب – تو باید از دوستان و رفیقان بد جدا شوی و آنان را رها کنی و دورشان بیندازی و با ایشان قطع ارتباط کنی و شدیداً از آنان برحذر باشی، اگر از دعوت آنان عاجز و ناتوان بودی. و مبادا شیطان تو را در پناه خودش قرار دهد و با انواع وسوسه‌ها و فریب‌ها، بازگشت به نزد دوستان و رفقایت را برایت آراسته گرداند از باب این که باید دعوت را پذیرفت آن هم در حالی که می‌دانی تو ضعیف هستی و توان مقابله و مقاومت در برابرشان و گناه را نداری! در اینجا حالات فراوانی است که افراد به سبب رابطه‌شان با دوستان گذشته مجدداً به گناه و معصیت می‌افتند.

هشتم: از بین‌بردن اسباب حرام و مواد حرامی که نزدش می‌باشد، مانند نوشیدنی‌های حرام (شراب و...)، مواد مخدر (هروئین، تریاک، سیگار، تنباکو، حشیش و...) و ابزار و دستگاه‌های سرگرمی و موسیقی (عود، نی،

۱- تفسیر نور، ص ۵۸۹.

گیتار و دوتار و...) و تصاویر و فیلم‌های حـرام و رمـان‌هـا و داسـتان‌هـای عشقی و زشت و مجسمه‌های تحریک‌کننده. اینچنین است کـه شکسـتن و نابودساختن و سوزاندن آن‌ها لازم و ضروری است.

مسأله: تائبی – توبـه‌کننـده‌ای – کـه در آسـتانه راه راسـت و مسـتقیم می‌باشد. و می‌خواهد در این راه استقامت بـورزد بایـد تمـامی لبـاس‌هـای جاهلیتی که بر تن داشته است، بیرون آورد. (خود را از رفتارها و ابزارهای جاهلی رها سازد). چه بسیار داستان‌هایی وجـود دارد کـه افـراد تائـب بـه خاطر وجود این مواد و وسایل حـرام در نزدشـان از توبـه کنـار کشـیده و مجدداً با سر درگمی و ضلالت سقوط کـرده انـد. (از خداونـد بخشـنده و مهربان پایداری و استقامت را عاجزانه می‌طلبیم).

نهم: دوستان صالح و خیرخواهی برگزیند تا او را در این پیکار با نفـس و شیطان یاری کنند. این دوستان باید جای دوستان بد را بگیرنـد و بسـیار بر شرکت در حلقات ذکر الهـی و مجـالس علـم حـریص باشـد و تمـامی اوقاتش را با امور مفید و سودمند پر کند تا آن که مبادا شیطان وقت خـالی را پیدا کرده و او را به یاد گذشته‌اش بیندازد.

دهم: به جسم و بدنش توجه کند، بدنی که آن را بـا اعمـال و رفتـار و خوراک حرام و نامشروع پرورش داده است. بنابراین، باید تمامی توانش را در راه اطاعت و فرمانبرداری از خدا قرار دهد و بکوشـد تـا روزی حـلال به دست آورد که با آن بتواند گوشت، پوسـت و خـون پـاک را جـایگزین پیکر پرورش یافته در حرامش بکند.

یازدهم: توبه باید قبل از خرخرکردن دم مرگ(لحظه احتضار) و قبل از طلوع خورشید از مغرب باشد.

خرخرمرگ(غرغره) آن صدایی است که هنگام پرواز و خروج روح از بدن در حلق ایجاد می‌شود. در اینجا منظور آن است که توبه باید قبل از قیامت صغری – مرگ انسان – و قیامت کبری باشد. رسول رحمت ﷺ در این موارد می‌فرماید: «**مَنْ تَابَ إِلَى اللهِ قَبْلَ أَنْ يُغَرْغَرَ، قَبِلَ اللهُ مِنْهُ**»[۱] «هرکس قبل از آن که به حالت احتضار بیفتد و نفسش به غرغره بیفتد توبه کند، خداوند متعال توبه‌اش را می‌پذیرد».

«**مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا، تَابَ اللهُ عَلَيْهِ**»[۲] «هرکس قبل از آن که خورشید از مغربش طلوع کند – قیامت کبری – توبه کند و به خدای روی آورد خداوند متعال نیز توبه او را پذیرفته و به او روی خواهد آورد».

۱- امام احمد و ترمذی آن را روایت کرده اند (صحیح الجامع ٦١٣٢).

۲- این حدیث را امام مسلم روایت کرده است.

توبه‌ای بسیار بزرگ!

در اینجا نمونه‌هایی از توبه‌های کاروان اول این امت، صحابه رسول الله ﷺ را می‌آوریم.

بریده رضی الله عنه نقل می‌کند که «ماعِز بن مالک أسلمی» نزد رسول رحمت ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! من بر خویشتن ستم کرده و مرتکب عمل زنا – فحشاء – شده‌ام، حال می‌خواهم مرا پاک گردانی – حد شرعی را بر من اجرا کنی – ولی ایشان ﷺ او را بازگرداند. فردای آن روز مجدداً به نزد آن حضرت ﷺ رفت و گفت: ای رسول خدا! من مرتکب عمل زنا شده‌ام این بار نیز او را برای بار دوم برگرداند. پس رسول رحمت ﷺ به نزد قومش کسی را فرستاد و پرسید: (آیا او از نظر عقلی دارای مشکلی است؟ و یا آیا شما سخنان او را نمی‌پذیرید؟)

گفتند: ما از او چیزی جز دانایی و عقل کامل ندیده ایم و او را از افراد صالح و نیکوکارمان می‌بینیم. «ماعز» برای بار سوم نزد آن حضرت ﷺ آمد، باز به سوی قومش کسی را فرستادند و از احوالاتش سؤال کردند، ولی آنان خبر دادند که موردی را در او مشاهده نکرده اند و آسیبی هم به عقلش نرسیده است. زمانی که برای بار چهارم آمد. گودالی برای او حفر شد، سپس رسول خدا ﷺ فرمان داد تا رَجم – سنگسار شود و سنگسار شد».

در ادامه می‌گوید: زنی به نام «غامدیة» آمد و گفت: (ای رسول خدا! من مرتکب عمل زنا شده‌ام، مرا پاک گردانید. ولی ایشان ﷺ او را بازگرداند، فردا که شد، گفت: ای رسول خدا! چرا مرا برمی‌گردانید؟ شاید مرا باز می‌گردانید، همانگونه که «ماعز» را بازگردانیدید، سوگند به خدا! باردار – حامله – می‌باشم، رسول رحمت ﷺ فرمود: «نه، امّا برو تا زمانی که فرزندت را به دنیا آوری». می‌گوید: زمانی که فرزندش را به دنیا آورد، نوزادش را در حالی که در پارچه‌ای پیچیده بود آورد و گفت: او را به دنیا آوردم، ولی باز رسول رحمت ﷺ فرمود: برو و او را تا زمانی که شیر می‌خورد، شیر بده». زمانی که پسرش را از شیر بازکرد کودک را در حالی تکه نانی در دستش بود آورد و گفت: ای رسول خدا ﷺ این فرزندم است که الآن از شیر بازش گرفته‌ام و غذا می‌خورد، ایشان ﷺ کودک را به یکی از مردان مسلمان سپرد سپس فرمان داد و گودالی برای او تا سینه‌اش کنده شد و به مردم فرمان داد و سنگسارش کردند. در این لحظه «خالد بن ولید رضي الله عنه» به طرف سنگی رفت و آن را به سرش زد در نتیجه خون بر چهره خالد پاشیده شد و آن زن را دشنام داد. پیامبر خدا ﷺ دشنام او را شنید و در جواب فرمود: (کمی درنگ کن خالد! و عجله نکن! سوگند به کسی که جانم در دست اوست، آن زن چنان توبه‌ای کرد که اگر مأمور مالیاتی که به زور و ستم از مردم خراج می‌گیرد آنگونه توبه می‌کرد حتماً بخشیده می‌شد)[۱] سپس رسول خدا ﷺ فرمان داد و بر او نماز خواند و دفن گردید».

۱- این حدیث را امام مسلم روایت کرده است.

در روایتی آمده است که عمر فاروق ﷺ گفت: ای رسول خدا! او را سنگسار می‌کنی آنگاه نماز هم بر وی می‌خوانی، ولی رسول رحمت ﷺ فرمود: «**لَقَدْ تَابَتْ تَوْبَةً لَوْ قُسِمَتْ بَيْنَ سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَسِعَتْهُمْ، وَهَلْ وَجَدْتَ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ أَنْ جَادَتْ بِنَفْسِهَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ**»[1] «به راستی که او چنان توبه‌ای کرده است که اگر میان هفتاد تن از ساکنان شهر مدینه تقسیم می‌شد آنان را کفایت می‌کرد و تحت پوشش قرار می‌داد. «ای عُمَر» آیا تو چیزی با فضیلت‌تر از این می‌یابی که کسی تمام وجودش را به خداوند بلندمرتبه و با عظمت ببخشد و تقدیم کند».

۱- این روایت عبدالرزاق در کتابش آورده است. (۷ / ۳۲۵).

توبه تمامی گناهان ماقبل را از بین برده و پاک می‌کند

ممکن است کسی بگوید: می‌خواهم توبه کنم، ولی چه چیزی برای من بخشش و مغفرت خداوند را تضمین می‌کند، آنگاه که توبه کنم در حالی که من رغبت بسیاری به روش و راه مستقیم و حق دارم و با توجه به این که احساس شک و دودلی در من ایجاد می‌شود و اگر بدانم که خداوند مرا می‌بخشاید، حتماً توبه می‌کنم؟!

به او می‌گویم: آنچه که در احساس و درون تو می‌گذر درست همان چیزی است که در جان انسان‌هایی قبل از تو، همچون صحابه بزرگوار رسول خدا ﷺ گذشته است.

اگر در این دو روایت با یقین بیندشی، حتماً آنچه که در درونت می‌گذرد از بین خواهد رفت. «اگر خداوند بخواهد».

روایت اول: امام مسلم داستان مسلمان‌شدن عمرو بن العاص رضي الله عنه را از زبان خودش اینچنین نقل می‌کند:

«زمانی که پروردگار، اسلام را در قلبم عزیز و محبوب گردانید، نزد پیامبر ﷺ آمدم و گفتم: دستت را بده تا با تو بیعت کنم، ایشان دست راست‌شان را دراز کرد آنگاه من دستم را جمع نمودم، پیامبر ﷺ فرمودند: (تو را ای عمرو چه شده است؟).

گفتم: می‌خواهم شرطی بگذارم. فرمود: چه شرطی؟ گفتم: شرطم اینست که بخشیده شوم، فرمود: «**أَمَا عَلِمْتَ يَا عَمْرو أَنَّ الْإِسْلَامَ يَهْدِمُ مَا كَانَ**

قَبْلَهُ؟ وَأَنَّ الْهِجْرَةَ تَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهَا؟ وَأَنَّ الْحَجَّ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ؟» یعنی: «آیا نمی‌دانی ای عمرو که اسلام هرآنچه را که قبل از آن است نابود و پاک می‌کند و هجرت آنچه را که قبل از آن می‌باشد نابود و پاک می‌کند و همچنین حج هم هرآنچه قبل از آن می‌باشد محو و نابود می‌کند».

روایت دوم: امام مسلم از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که تعدادی از مشرکان که کشتار بسیار کرده و به کثرت مرتکب زنا و فحشاء شده بودند، نزد رسول خدا ﷺ آمده و گفتند: آنچه که می‌گویی و به سوی آن دعوت می‌کنی بسیار نیکو و خوب است، کاش به ما خیر می‌دادی که کفاره آنچه از قتل و زنا و... انجام داده ایم چیست؟!

در جواب، این آیات قرآن نازل شدند:

﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامٗا ۝٦٨﴾ [الفرقان: ۶۸]

«و آنان که با خداوند معبودی دیگر را به (نیایش) نمی‌خوانند و جانی را خداوند (کشتنش را) حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند. و هرکس چنین کند به «کیفری» دشوار برمی‌خورد»[1].

و به دنبالش این آیه نازل شد: ﴿۞قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِ﴾ [الزمر: ۵۳]

«(ای پیامبر! از سوی من) بگو: ای بندگانی که بر خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید...»[2].

۱- برگرفته شده از ترجمه قرآن کریم از استاد مسعود انصاری صفحه ۴۶۴.

۲- ترجمه قرآن کریم، از استاد انصاری صفحه ۳۶۶.

آیا خداوند متعال مرا می‌بخشد؟

* گاهی می‌گویی، می‌خواهم توبه کنم اما گناهانم بسیار زیاد است طوری که از هیچ عمل فحشاء و زشتی فرو گذار نکرده‌ام، مگر آن که در آن غوطه‌ور شده و آن را انجام داده‌ام و حتی گناهی که به خیالت رسیده یا نرسیده باشد، آن را مرتکب شده‌ام، نمی‌دانم آیا ممکن است خداوند آنچه را که در آن سالیان طولانی انجام داده‌ام ببخشاید یا نه؟!

ای برادر بزرگوار! به تو می‌گویم: این تنها مشکل تو نیست، بلکه مشکل بسیاری از کسانی است که می‌خواهند توبه کنند. برایت مثالی از جوانی می‌آورم که یک بار سؤالی را اینگونه مطرح کرد، او از ابتدای نوجوانی شروع به انجام و ارتکاب گناه کرده تا جایی که در سن هفده سالگی دارای پرونده طولانی پر از اعمال زشت و فواحش از انواع صغیره و کبیره بوده است و به افراد زیادی از کوچک و بزرگ تجاوز کرده، حتی یک بار دختر خردسالی را مورد تجاوز قرار داده و بارها و بارها نیز دزدی و سرقت کرده است، حال می‌گوید که به سوی الله متعال روی آورده و توبه کرده‌ام، و در بعضی از شب‌ها عبادت کرده و نماز تهجد می‌خوانم و روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه می‌گیرم و هر صبح بعد از نماز فجر قرآن می‌خوانم، آیا توبه‌ام پذیرفته خواهد شد؟ (آیا برای من امکان توبه وجود دارد؟!)

مرجع و منبع اصلی ما مسلمانان در فهم و اجرای احکام و شناخت حلال و حل مشکلات و برخورد با آن‌ها، کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ است و در هر حالتی ابتدا به این دو ریسمان الهی رجوع می‌کنیم. لذا هنگامی که به قرآن‌کریم نگاهی می‌اندازیم این پیام الهی را می‌بینیم:

﴿۞قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ٥٣ وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَأَسۡلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَكُمُ ٱلۡعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ٥٤﴾ [الزمر: ۵۳-۵۴]

«(ای پیامبر! از سوی من) بگو: که ای بندگانی که بر خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید. به راستی خداوند همه‌ی گناهان را می‌بخشد. بیگمان اوست آمرزگار مهربان «بسیار بخشنده و مهربان است» و پیش از آن که عذاب به شما رسد، آنگاه یاری نیابید به سوی پروردگارتان بازآیید و در برابر او تسلیم شوید».

این جوابی دقیق و روشن برای آن مشکل مطرح شده است و آنچنان واضح است که نیازی به توضیح بیشتر ندارد.

اما..... آن احساسی که گناهان بیشتر از آن است که خداوند آن‌ها را ببخشد.

اولاً: ناشی از عدم یقین بنده به وسعت و دامنه‌ی رحمت پروردگارش است.

ثانیاً: ناشی از نقص ایمان به قدرت خداوند بر بخشیدن تمامی گناهان.

ثالثاً: ناشی از ضعف عمل مهمی از اعمال قلب که همان «رجاء» است می‌باشد[1].

رابعاً: ناشی از بدبینی و عدم گمان تائب در پاک‌شدن گناهان می‌باشد.

۱- رجاء عبارت از امید داشتن به رحمت الهی می‌باشد.

حال به هرکدام از موارد چهارگانه گذشته جداگانه جواب می‌دهیم.

اما مورد اول: در روشن‌شدن آن، این پیام الهی کفایت می‌کند:

﴿وَرَحۡمَتِي وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖ﴾ [الأعراف: ۱۵۶]

«رحمت من همه چیز را فرا گرفته است»[۱].

اما برای مورد دوم حدیث صحیح قدسی کافی است:

«قَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ عَلِمَ أَنِّي ذُو قُدْرَةٍ عَلَى مَغْفِرَةِ الذُّنُوبِ غَفَرْتُ لَهُ، وَلَا أُبَالِي مَا لَمْ يُشْرِكْ بِي شَيْئًا»[۲] «خداوند متعال می‌گوید: هرکس نظر و عملش در باره من چنین باشد که توانایی بخشیدن تمامی گناهان را دارم، او را خواهم بخشید و برایم اصلاً مهم نخواهد بود به شرط آن که با من کسی را شریک نگرداند (یعنی به من شرک نیاورد) این واقعه مربوط به زمانی می‌شود که بنده پروردگارش را در سرا اخت ملاقات می‌کند.

اما مورد سوم: این مورد را نیز این حدیث با عظمت قدسی جواب می‌دهد:

«يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا أُبَالِي، يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ، وَلَا أُبَالِي، يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ لَوْ أَنَّكَ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا لَأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً»[۳] «ای فرزند آدم، تا زمانی که مرا به فریاد بخوانی و به من امید داشته باشی، هرچه که بر آن باشی می‌بخشایمت و برایم این عمل

۱- ترجمه قرآن از مسعود انصاری.

۲- این حدیث را طبرانی در معجم کبیر و حاکم روایت کرده اند (صحیح الجامع ۴۳۳۰).

۳- این حدیث را امام ترمذی روایت کرده است.

مهم نیست. ای فرزند آدم، اگر تو به نزدم به اندازه وسعت و پهنای زمین اشتباه و خطا بیاوری و با من ملاقات کنی در حالی که برایم شریکی قرار نداده‌ای (به من شرک نورزیده‌ای) من نیز به نزد تو خواهم آمد در حالی که به همان اندازه‌ی خطاهایت، بخشش و مغفرت به همراه دارم».

اما مورد چهارم: این حدیث رسول رحمت ﷺ در جواب آن کافی است. «**التائب من الذنب کمن لا ذنب له**»[1] توبه‌کننده از گناه همانند کسی است که هیچ گناهی ندارد. (پرونده اعمالش از گناه خالی می‌باشد».

* در اینجا به تمام کسانی که برایشان دشوار است که خداوند گناهان و فسادهای فراوان‌شان را ببخشاید این حدیث صحیح (حدیث قاتل صد نفر) را تقدیم می‌کنیم.

---

۱ - این حدیث را ابن ماجه روایت کرده است (صحیح الجامع ۳۰۰۸).

توبه قاتل صد نفر

ابوسعید سعد بن مالک بن سنان خدری ﷺ از پیامبر خـدا ﷺ روایـت می‌کند که فرمودند:

«روزگاران قبل از شما مردی بود که (۹۹) نودونه نفر را کشـته بـود، او از آگاه‌ترین و عالم‌ترین شخص زمین سئوال کرد، راهبی[۱] را به او معرفی کردند. نزدش رفت و گفت کـه (۹۹) نودونـه انسـان را کشـته اسـت، آیـا می‌تواند توبه کند؟ «آیا توبه‌اش پذیرفته می‌شود؟» گفت: نـه، آن راهـب را نیز کشت و با قتل او آمار قتل‌هایش را به صد نفر رساند.

مجدداً به دنبال آگاه‌تـرین و عـالم‌تـرین فـرد آن روزگـار بـه جسـتجو پرداخت، دانشمند آگاهی را به او معرفی کردند. به آن دانشـمند گفـت کـه تاکنون صد تن را کشته اسـت، آیـا مـی‌توانـد توبـه کنـد؟ او گفـت: بلـه، (می‌توانی)، چه کسی می‌تواند بین تو و توبه فاصله انداخته و مـانع شـود، (سپس به آن مرد گفت:) به سوی فلان سرزمین برو، زیرا در آنجا مردمانی هستند که فقط خداوند یکتا را پرستش می‌کنند و تو، به همـراه آنـان الله را پرستش و عبادت کن و مبادا به سوی سرزمین و وطنت بازگردی، زیـرا آن سرزمین بدی است (یعنی مردمانش انسان‌های بد و نابکاری هستند).

۱- راهب = تارک دنیا، دیرنشین (معمولاً به افراد عابدی گفته می‌شود که بیشتر اهل عبادت هسـتند تا علم و دانش).

مرد تائب حرکت کرد تا به نیمه راه رسید ولی مرگش فرا رسید. در این حالت فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب در مورد او به اختلاف پرداختند. فرشتگان رحمت گفتند: او آمده در حالی که قلباً توبه کرده بود و روی به سوی الله تعالی داشت.

فرشتگان عذاب گفتند: او هرگز هیچ عمل خیری انجام نداده است.

در این لحظه فرشته‌ای در سیمای انسان به نزدشان آمد، او را در میان خودشان به قضاوت نشاندند. آن فرشته گفت: فاصله‌ای را که در بین دو سرزمین طی کرده است مقایسه کنید. به هرطرف که نزدیک‌تر بود او از آنجا خواهد بود. (یعنی اگر به سرزمین اوّلی‌اش نزدیک‌تر بود از آن فرشتگان عذاب می‌باشد و اگر به سرزمین دوّم نزدیک‌تر بود از آن فرشتگان رحمت می‌باشد). مقایسه کردند دیدند به سرزمینی که قصد هجرت به آنجا را داشته نزدیک‌تر است، پس فرشتگان رحمت او را دربر گرفتند»[۱].

در روایت صحیح دیگری آمده است که «به آن روستای صالحان به اندازه‌ی یک وجب نزدیک‌تر بود پس از اهالی آنجا محسوب شد».

همچنین در روایت صحیح دیگری آمده است که «خداوند بخشاینده به آن سرزمین گفت: دور شو و به این سرزمین (صالحان) گفت: نزدیک شو، سپس گفت: بین آن دو سرزمین را مقایسه کنید، در این لحظه دیدند که به سرزمین صالحان به اندازه‌ی یک وجب نزدیک‌تر است. بنابراین، پروردگار او را بخشید و مورد مغفرت خویش قرار داد».

۱- متفق علیه، یعنی این حدیث را امام بخاری و امام مسلم رحمهما الله هردو روایت کرده اند.

«**نَعَمْ، وَمَنْ يَحُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ التَّوْبَةِ!!!**» «بله، چه کسی می‌تواند میان او و توبه فاصله بیندازد!!!».

ای کسی که می‌خواهی توبه کنی، آیا گناهی بزرگ‌تر و عظیم‌تر از این مردی که خداوند توبه‌اش را پذیرفت و به او روی آورد، می‌بینی؟! دیگر ناامیدی و یأس برای چه؟!

برادر مسلمانم! کار از این هم بزرگ‌تر است. کمی در این آیهٔ قرآن بیندیش و تأمل کن.

﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامًا ٦٨ يُضَٰعَفۡ لَهُ ٱلۡعَذَابُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَيَخۡلُدۡ فِيهِۦ مُهَانًا ٦٩ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَٰلِحًا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ٧٠﴾

[الفرقان: ۶۸ - ۷۰]

«بندگان خداوند رحمان آنند که...» و آنان که با خداوند معبودی دیگر را (به نیایش) نمی‌خوانند و جانی را که خداوند (کشتنش) را حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند. و هرکس چنین کند به (کیفری) دشوار برمی‌خورد * روز قیامت عذاب برایش دوچندان شود و در آنجا خوار (و زبون) و جاودان ماند * مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، پس اینانند که خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است»[1].

یک لحظه در این پیام دقت کن:

۱- ترجمه قرآن از مسعود انصاری صفحه ٣٦٦.

﴿فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖ﴾ [الفرقان: ۷۰]

بله آنانی که توبه می‌کنند کسانی هستند که خداوند عیناً بدی‌ها و بدکاری‌هایشان را به نیکی‌ها و حسنات تبدیل می‌کند. آری، این آیه به خوبی فضل‌های بیکران و عظیم الله را به تو نشان می‌دهد. علماء می‌گویند: تبدیل در اینجا دو نوع می‌باشد:

اول: تبدیل صفات بد و زشت به صفات نیکو و حسنه؛ مانند تبدیل شرک به ایمان، زنا به پاکدامنی و عفت، دروغ به راستی و صداقت، خیانت به امانتداری و به همین صورت.

دوم: تبدیل‌کردن بدی‌ها و زشتکاری‌هایی که انجام داده به حسنات و نیکی در روز قیامت. در این آیه مجدداً تأمل کن ﴿يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖ﴾ در اینجا نگفته است به جای هر بدی یک نیکی و حسنه بلکه ممکن است کمتر یا مساوی یا بیشتر در کمیت یا کیفیت (تعداد و چگونگی) باشد. و این براساس میزان صداقت تائب و کامل‌بودن توبه‌اش می‌باشد. بنابراین، آیا فضلی بزرگتر و باعظمت‌تر از این فضل می‌بینی؟ برای شرح این بخشش و کرم الهی به این حدیث زیبا نگاه کن: «عبدالرحمن بن جبیر «از ابوطویل شطب ممدود» نقل می‌کند که به نزد پیامبر ﷺ آمد– (و در روایت دیگری آمده - «پیرمرد خمیده‌ای که ابروهایش بر روی چشمانش افتاده بود در حالی که بر چوب دستی تکیه داده بود آمد تا در برابر پیامبر رحمت ﷺ قرار گرفت) و گفت: نظر و رای شما در باره مردی که تمامی گناهان را انجام داده و هیچ چیزی از آن‌ها را ترک نکرده است و از گناه صغیره و کبیره هم نگذشته است چیست؟! (در

روایتی دیگر آمده است: هیچ گناهی را نگذاشته مگر آن که آن را با دستانش انجام داده و چیده است، آنچنان که اگر در بین تمامی ساکنان زمین تقسیم شود همگی‌شان را به هلاکت خواهد رساند). آیا چنین شخصی می‌تواند توبه کند؟

پیامبر رحمت ﷺ فرمود: (آیا اسلام آورده‌ای؟)

گفت: من به یگانگی و بی‌شریکی الله شهادت می‌دهم و این که تو رسول خداوند هستی.

رسول خدا ﷺ فرمود: «**تَفْعَلُ الْخَيْرَاتِ، وَتَتْرُكُ السَّيِّئَاتِ، فَيَجْعَلُهُنَّ اللَّهُ لَكَ خَيْرَاتٍ كُلَّهُنَّ**» (اعمال خیر انجام بده و بدی‌ها را رها کن، خداوند تمام آن بدی‌ها را برایت خیر و نیکی قرار می‌دهد).

آن مرد گفت: آیا فریبکاری‌ها و فسادهایم را هم تبدیل می‌کند؟

رسول خدا ﷺ فرمود: بله.

پیرمرد گفت: الله اکبر و همچنان تکبیر می‌گفت تا از نظرها پنهان شد[(۱)].

در اینجا ممکن است تائب سؤال کند و بگوید: زمانی که گمراه بودم و نماز نمی‌خواندم در حالی که از دین و امّت اسلامی خارج بودم، بعضی از

۱- هیثمی می‌گوید: آن را طبرانی روایت کرده است و «بزاز» نیز به همینگونه روایت کرده است، راویان بزار غیر از محمد بن هارون نشیطه «که» ثقه است بقیه همگی صحیح هستند. (المجمع ۳٦/۱). منذری در الترغیب والترهیب «می‌گوید: اسناد آن قوی و جید است ٤ / ۱۱۳ و ابن حجر در «الإصابة» می‌گوید: او بر شرط صحیح است (٤ / ۱٤۹ شرح حال – ترجمة شطب).

اعمال صالحه را انجام می‌دادم آیا ثواب آن‌ها همچنان برای من بعد از توبه محسوب می‌شود یا برباد رفته و از بین می‌رود؟!

به این جواب با دقت بنگر:

«عروه بن زبیر رضی الله عنه می‌گوید که «حکیم بن حِزام» به او خبر داده است که به رسول خدا ﷺ گفتم: ای رسول خدا! نظر شما در این باره چیست که من در جاهلیت صدقه می‌دادم، غلام آزاد می‌کردم و صله رحم را به جای می‌آوردم آیا آن‌ها برایم الآن اجر و پاداش محسوب می‌شود؟

رسول رحمت ﷺ فرمود:

«أَسْلَمْتَ عَلَى مَا أَسْلَفْتَ مِنْ خَيْرٍ»[1]

«مسلمان شدی به سبب آنچه که از خیر پیش از این انجام داده‌ای».

۱- این حدیث را امام بخاری روایت کرده است.

هرگاه گناه کردم چه کنم؟

ممکن است بگویی، اگر در گناهی افتادم، چگونه از آن بلافاصله توبه کنم؟ و آیا عملی وجود دارد که بتوانم بعد از گناه فوراً آن را انجام دهم؟

جواب: شایسته است دو کار بعد از دست‌کشیدن از گناه انجام داد:

اول: پشیمانی قلبی و تصمیم جدی بر عدم تکرار گناه. این حالت در نتیجه خوف از الله در انسان ایجاد می‌شود.

دوم: اعضاء و جوارح بدن اعمال حسنه و صالحه گوناگون انجام دهد که یکی از آن‌ها نماز توبه است. حضرت ابوبکرﷺ روایت می‌کند که از رسول خداﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «**مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا، ثُمَّ يَقُومُ فَيَتَطَهَّرُ، ثُمَّ يُصَلِّي (رَكْعَتَيْنِ)، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ**»[1] «جز این نیست که هرکس مرتکب گناهی - بزرگ یا مهم یا ... - گردد سپس برخیزد و طهارت گرفته و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند بخشاینده طلب بخشش بکند، الله گناه او را خواهد بخشید».

سپس حضرت ابوبکر صدیق ﷺ این آیه مبارکه را خواند:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٣٥﴾ [آل عمران: ١٣٥].

١- این حدیث را اصحاب سنن روایت کرده اند. (صحیح الترغیب والترهیب ١ / ٢٨٤).

«و کسانی که چون دچار گناه (کبیره‌ای) شدند یا (با انجام گناه صغیره‌ای) بر خویشتن ستم کردند، به یاد خدا می‌افتند (و وَعد و وَعید و عقاب و ثواب و جلالت و عظمت او را پیش چشم می‌دارند و پشیمان می‌گردند) و آمرزش گناهانشان را خواستار می‌شوند – و به جز خدا کیست که گناهان را بیامرزد؟ – و با علم و آگاهی از (زشتی کار و نهی و وعید خدا از آن) به تکرار گناه دست نمی‌یازند)...»[۱].

در روایات صحیح دیگری صفات و ویژگی دو رکعت نمازی که سبب بخشش گناهان می‌شود آمده است. آنچه در زیر می‌خوانید مختصر آن‌هاست.

وضوی احسن – نیکو گرفتن. (زیرا اشتباهات و خطاها به همراه آب یا آخرین قطره آب از اعضای وضو خارج می‌شود).

از نیکویی وضو آن است که ابتدا «بسم الله» گفته و در آخر وضو دعا و اذکار مناسب را بگوید. آن این است:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ - اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ - سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ».

(برای هرکدام از این اذکار بعد از وضو پاداشی بزرگ است).

برخیزد و دو رکعت نماز بخواند.

در نماز مرتکب سهو و فراموشی نشود.

با خودش در نماز گفتگو نکند (به فکر مسائل بیرون از نماز نیفتد).

۱- تفسیر نور صفحه ۷۰.

در آن دو رکعت، اذکار و خشوع را به خوبی انجام دهد.
سپس از الله طلب استغفار و بخشش کند.

نتیجه وضو و نماز نیکو

گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود.
بهشت بر او واجب می‌گردد[1].

به دنبال آن حسنات و طاعاتش را زیاد کند. آیا ندیدی زمانی که حضرت عمرس به اشتباه خودش در مناقشه‌اش با رسول خدا ج در غزوه‌ی «حدیبیه» پی برد، گفت: بعد از آن واقعه اعمال صالحه‌ای برای پاک‌شدن گناهانم انجام دادم. به مثال آمده در این حدیث صحیح بنگر و اندکی تأمل کن. رسول خدا ج فرمود: «**إِنَّ مَثَلَ الَّذِي يَعْمَلُ السَّيِّئَاتِ ثُمَّ يَعْمَلُ الْحَسَنَاتِ، كَمَثَلِ رَجُلٍ كَانَتْ عَلَيْهِ دِرْعٌ ضَيِّقَةٌ قَدْ خَنَقَتْهُ، ثُمَّ عَمِلَ حَسَنَةً فَانْفَكَّتْ حَلْقَةٌ، ثُمَّ عَمِلَ أُخْرَى فَانْفَكَّتْ أُخْرَى، حَتَّى يَخْرُجَ إِلَى الْأَرْضِ**»[2]

«همانا مثال کسی که اعمال بدی انجام می‌دهد و سپس به دنبال آن اعمال حسنه‌ای انجام می‌دهد مانند کسی است که بر تنش لباس زره فولادی تنگی است که نزدیک است او را خفه کند، به دنبال آن عملی حسنه انجام می‌دهد پس یک حلقه باز می‌شود بعد از آن حسنه‌ای دیگر انجام می‌دهد و حلقه دیگری باز می‌شود تا آن که زره فولادی از تن خارج شده و بر زمین می‌افتد».

۱- صحیح الترغیب والترهیب (۱ / ۹۴ و ۹۵).

۲- این حدیث را طبرانی در معجم الکبیر روایت کرده است. (صحیح الجامع ۲۱۹۲).

بنابراین حسنات، فرد گناهکار را از زندان معاصی و گناهان آزاد کرده و به جهان بزرگ طاعت و بندگی می‌رساند. برادر عزیزم! این قصه پندآموز آنچه را که گذشت برایت خلاصه می‌کند:

ابن مسعود ﷺ نقل می‌کند که مردی نزد رسول رحمت ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! من زنی را در باغی دیدم و به جز جماع – همخوابگی – هر کاری را با او انجام دادم، بوسیدمش و تفریح کرده و همراهش بودم ولی غیر از این کاری نکردم، حال هر کاری می‌خواهی با من بکن. رسول خدا ﷺ چیزی نگفت تا آن مرد رفت.

حضرت عمر ﷺ گفت: اگر او خود گناهش را می‌پوشاند. خداوند گناهش را پوشانده بود.

رسول خدا ﷺ نگاهش را به آن مرد انداخت و فرمود: (او را به نزد من بیاورید).

او را نزد ایشان آوردند پس این آیه قرآن را برای او خواندند:

﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ ذَٰلِكَ ذِكۡرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ ١١٤﴾ [هود: ۱۱۴]

«در دو طرف روز (که وقت نماز صبح و عصر است) و در اوئل شب (که وقت نماز مغرب و عشاء است) چنانکه باید، نماز به جای آورید. بیگمان نیکی‌ها (از جمله نمازهای پنجگانه) بدی‌ها را از بین می‌برد. بیگمان در این (سفارش‌ها و قانون‌های آسمانی) اندرز و ارشاد برای کسانی است که پند می‌پذیرند و خدای را یاد می‌کنند و به یاد می‌دارند...»[۱].

۱- تفسیر نور صفحه ۳۵۲.

معاذ ﷺ در روایت عمر ﷺ می‌گوید: ای رسول خدا! آیا ایـن سـفارش فقط برای اوست یا برای همه مردم؟

ضرحت رسول خدا ﷺ فرمودند: «**بَلْ لِلنَّاسِ كَافَّةً**» بلکه این پیـام بـرای تمامی مردم می‌باشد»[1].

۱- این روایت را امام مسلم/ روایت کرده است.

دوستان بد مرا تعقیب می‌کنند

ممکن است بگویی می‌خواهم توبه کنم، اما دوستان و رفیقان بد و فاسد مرا در هر جایی تعقیب می‌کنند به مجرد این که متوجه تغییری در من شوند پی در پی مرا زیر باد حملات‌شان قرار می‌دهند، بگونه‌ای که در برابرشان احساس ضعف و ناتوان می‌کنم! (شما می‌گویید) چه کنم؟! می‌گوییم: صبر و پایداری کن که این عمل سنّت و قانون الهی در آزمایشات بندگان مخلص و راستین خداوند است تا صادقین و راست پیشه‌گان را از کاذبین و فریبکاران بازشناسد و تا پلیدی و پاکی را از همدیگر متمایز سازد.

هنگامی که در این راه گام برداشته‌ای ثابت‌قدم باش، اینان شیاطین جن و انس هستند که به یکدیگر وحی کرده و پیام می‌رسانند تا تو را بر آنچه که بودی بازگردانند! مبادا از آنان پیروی کنی. آنان در ابتدا به تو خواهند گفت که این هوسی بیش نیست که به زودی از بین می‌رود و یا این بحرانی مقطعی و موّقتی است! جای بسیار شگفتی است که بعضی از آنان به دوست‌شان در ابتدای توبه‌ی‌شان می‌گویند: نزدیک است که دوباره به همان حالت شرارت‌بار، بازگردی و گناه کنی!!

شگفتا زمانی که یکی از این توابین به معشوقه خودش رودرو با فریاد می‌گوید که توبه کرده و نمی‌خواهد که به گناهان قبلی‌اش اضافه کند، معشوقه‌اش بعد از مدتی به نزدش می‌آید و می‌گوید: به زودی وسواس از تو دور خواهد شد؟

ولی به هوش باش که پروردگار حکیم می‌فرماید:

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾ [سورة الناس]

«بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم * به مالک و حاکم (واقعی) مردم * به معبود و اله (به حق) مردم * از شر وسوسه گربازپس رونده (به هنگام یاد خدا) * کسی که در دل‌ها و سینه‌های مردم به وسوسه می‌پردازد (ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند) * از جنیان (باشد) یا از مردمان *»[1].

۱- تفسیر نور صفحه ۷۵۳ و ترجمه مسعود انصاری صفحه ٦٠٤.

آیا پروردگارت شایسته اطاعت است یا دوستان و رفیقان بد؟

تو باید بدانی که آنان در هر مکانی به دنبالت می‌آیند و تلاش می‌کنند به هر وسیله‌ای که شده تو را به گمراهی و انحراف بکشانند. یکی از تائبان – افراد توبه کرده – برایم نقل می‌کرد، بعد از آن که توبه کرده بود دوست بدش به راننده ماشین دستور می‌داد که پشت سرم در راه مسجد حرکت کند سپس از پنجره اتومبیل مرا صدا زده و سعی می‌کرد که از شرکت در جماعت و جلسات مسجد بازدارد.

در اینجاست که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلْقَوْلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِي ٱلْآخِرَةِ﴾ [إبراهیم: ۲۷]

«خداوند مؤمنان را به خاطر گفتار استوار (و عقیده‌ی پایدارشان) هم در این جهان (در برابر زرق و برق مادیات و بیم و هراس مشکلات محفوظ و مصون می‌نماید) و هم در آن جهان (ایشان را در نعمت‌های فراوان و عطای بی‌پایان جاویدان) ماندگار می‌دارد»[۱].

دوستان و رفیقان بد تلاش می‌کنند تو را به یاد گذشته‌ات انداخته و گناهان سابقت را به هر وسیله‌ای (یادآوری... خاطرات... تصاویر و فیلم..... و نامه‌ها) برایت آراسته و زیبا جلوه دهند. مبادا از آنان اطاعت کنی و به

۱- تفسیر نور صفحه ۲۸۳.

حرف‌شان گوش دهی! برحذر باش از این که تـو را بـه فتنـه نیندازنـد. در اینجا داستان کَعب بن مالک آن صحابی بزرگوار و صادق را به یاد آور.

زمانی که رسول خدا ﷺ به همه یـاران و اصـحابش دسـتور داد تـا بـا کعب بن مالک به خاطر شرکت‌نکردنش در غزوه‌ی تبوک قطع ارتباط کنند تا فرمان پروردگار برای این تخلف نازل شود، پادشاه کافر سرزمین غسّـان نامه‌ای برایش نوشت و در آن به او پیام داد: «به ما خبر رسـیده اسـت کـه دوستت (پیامبر) بر تو ستم کـرده اسـت، در حـالی کـه خداونـد تـو را در سرزمین ذلت و خواری و سختی قرار نداده است. بنابراین، به ما ملحق شو تا با تو ملاطفت و مهربانی کنیم».

بله این کافر می‌خواست دلِ آن مسلمان را به دسـت آورده تـا از شـهر مدینه خارج کرده و در آنجا در سرزمین کفر او را تباه و منحرف سازد.

اما برخورد این صحابی بزرگوار چیست؟ بله او می‌گوید: «هنگامی کـه آن نامه را خواندم با خودم گفتم: این نیز آزمایش و امتحانی دیگر است. به طرف تنور رفته و آن را سوزاندم».

تو هم ای برادر مسلمان! اینچنین کن و هر مرد و زن بـدی کـه برایـت نامه و پیامی می‌فرستد آن را بسوزان تا به خاکستر تبدیل شود و به یاد آور که آن را با آتش آخرت می‌سوزانی.

﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ وَلَا يَسۡتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ٦٠﴾ [الروم: ۶۰]

«پس بردباری را پیشه خود کن (این را بدان) وعده‌ی خدا مسـلماً حـق اسـت (مبادا) کسانی که (به حق) یقین ندارند تو را به سبکسری و خـواری او دارنـد. (و عدم ایمان ایشان، تاب و توان و صبر و شکیبایی را از تو سلب کند)..»[1].

۱- تفسیر نور صفحه ۳۸ و ترجمه قرآن انصاری صفحه ٤١٠.

آنان مرا تهدید می‌کنند

می‌خواهم توبه کنم، اما دوستان قدیمی‌ام مرا تهدید می‌کنند که مـرا بـه خاطر گناهان و اشتباهات گذشته‌ام در بین مردم رسوا کـرده و رازهـایم را در جامعه پخش می‌کنند. از من نزد آنان تصاویر و مدارکی است و مـن از لکه‌دارشدن شهرت و مقامم می‌ترسم، من خیلی می‌ترسم!!

می‌گوئیم: با دوستان و پیروان شیطان پیکار و مقابله کنید به راستی کـه دام‌های و فریب‌های شیطان سست و ضعیف می‌باشد[1] بـدان کـه تمـامی فشارهای یاران ابلیس یکجا برعلیه تو وارد خواهد شد، اما در برابر صبر و پایداری و ثبات قدم مؤمن در کوتاه‌تـرین زمـان ممکـن شـالوده‌شـان را از دست خواهند داد و متفرق می‌شوند.

بدان اگر با آنان همگام شدی و به دام‌ها و تهدیدهای‌شان تن دادی، تـو را آلوده‌تر از آن که بودی خواهند کرد. اما از آنان پیـروی نکـن و در ایـن مسیر از الله یاری و استعانت بجوی و بگو: «**حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْـمَ الوَكِيـلُ**» بـدان هرگاه رسول الله ﷺ از قومی (یا گروهی) می‌ترسید، مـی‌فرمـود: «**اللَّهُـمَّ إِنَّـا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُـوذُ بِـكَ مِـنْ شُرُورِهِـمْ**»[2] «خداونـدا! تـو را در مقابـل دشمنان قرار می‌دهیم و از شرارت و بدی‌شان فقط به تو پناه می‌بریم».

۱- اشاره به آیه ۷٦ از سوره نساء می‌باشد.

۲- این روایت را امام احمد / و ابوداود / روایت کرده اند (صحیح الجامع (٤٥٨٢).

درست است که این حالت و موقعیت بسیار دشوار و سخت است و آن تائب بیچاره و ناتوانی که در گذشته دوستان و رفیقان بدی داشته است با تهدید به او می‌گویند. گفتگوهایت را ضبط کرده ایم و عکس‌هایت نزدمان می‌باشد، اگر ما را رها کردی تو را نزد خانواده‌ات رسوا و بدبخت می‌کنیم!!

او در حالت و موقعیتی است که هرگز نمی‌توانی آرزویش را داشته باشی! نگاه کن به جنگ پیروان و دوستان شیطان با آن کسانی که از گروه خوانندگان، نوازندگان، بازیگران و هنرپیشه‌ها، توبه می‌کنند، زیرا آنان بدترین و زشت‌ترین تولیدات گذشته این تائبان را برای فشار و جنگ‌روانی در بازار پخش و منتشر می‌کنند، اما با تمام این دام‌ها و فریب‌ها و فشارها، خداوند رحمن همراه و حامی اهل تقوا و توبه‌کنندگان است و تنها او ولی و دوست مؤمنان می‌باشد، هرگز آنان را خوار و خفیف نکرده و برای یک لحظه هم پشت‌شان را خالی نمی‌کند. هرگز بنده‌ای که به او پناه ببرد ناامید نمی‌گردد و زیان نمی‌بیند. بدان که بعد از هر سختی و مشکلات، آسانی و آسایش است و بعد از هر تنگنا، گشایش و نجات خواهد بود[1].

ای برادر و خواهر تائب من! به این حکایت عبرت‌آموز که شاهدی روشن برآنچه گفته‌ایم است خوب دقت کن.

این داستان صحابی شجاع و بزرگوار مرثد بن ابی مرثد غَنَوی رضي الله عنه که به حق جانفدای دین اسلام بود می‌باشد. کار او انتقال دادن مخفیانه مسلمانان مستضعف از مکه به مدینه بود.

۱- این وعده الهی است که هرکس تقوی او را پیشه کند حتماً در تنگنا و سختی، راه نجات و فراری برایش قرار داده می‌شود: ﴿وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مَخۡرَجٗا ٢﴾ [الطلاق:۲]

در حدیث صحیح آمده است: مردی که مَرثد بن ابی مَرثد نامیده می‌شد اسیران مسلمان را مخفیانه از مکه فراری داده و با خود به مدینه مـی‌آورد. زنی روسپی (فاحشه) که «عِناق» نامیده می‌شد دوست او بود. روزی مَرثَـد به یکی از مردان مسلمان که در مکه اسیر بود وعده داد تـا او را آزاد کـرده و به مدینه ببرد مرثد می‌گوید: در یک شب مهتابی رفتم تا به سایه دیواری از دیوارهای شهر مکه رسیدم در این هنگـام «عنـاق» آمـد و چشـمش بـه سیاهی سایه‌ام در کنار آن دیوار افتاد. به من که رسـید، شـناخت و گفـت: مرثد تو خودت هستی؟

گفتم: بله من مَرثَد هستم.

گفت: بسیار خوش آمـدی، صـفا آوردی و دلـم را روشـن کـردی. بیـا امشب را تا صبح باهم بگذرانیم.

گفتم: این «عناق»، الله زنا را حرام گردانیده است.

ناگهان فریاد زد: نگهبانان! این همان مردی است که اسیران شما را آزاد کرده و با خود می‌برد. هشت نفر مرا تعقیب کردند تا آن که از کوه «خَندَمة» در یکی از راه‌های ورودی شهر مکه بالا رفته و در غاری پنهان شدم. آنـان به دنبالم آمدند و بر بالای سرم ایستادند، اما خداوند مـرا از چشـمان‌شـان پنهان کرد. سرانجام برگشتند. من نیز مجدداً به نزد آن مسلمان رفته و او را حمل کردم. مردم بسیار سنگین و بزرگی بود. در منطقه «اِدخَـر» بنـدهایش را بازکردم، همچنان او را حمل می‌کـردم. بسـیار خسـته‌ام کـرد تـا آن کـه سرانجام به مدینه رسیدم. (بلافاصله) نزد رسول خـدا ﷺ رفـتم و عـرض کردم: ای رسول خدا! آیا با عناق ازدواج کنم؟ دو بار سؤالم را تکرار کردم. رسول خدا ﷺ چیزی نفرمودند تا آن که این آیه نازل شد:

﴿ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةٗ وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞ﴾ [النور: ۳]

«مرد زناکار مگر با زن زنکارا یا مشرک ازدواج نمی‌کنـد و زن زناکـار، او را جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نمی‌گیرد...»[1].

به دنبال آن رسول خدا ﷺ فرمود: (ای مرثـد، مـرد زناکـار جـز بـا زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکـار را هـم جـز مـرد زناکـار یـا مشرک به همسری نمی‌گیرد، تو نیز با او ازدواج نکن)[2].

آیا دیدی که چگونه الله از کسـانی کـه ایمـان آورده‌انـد دفـاع کـرده و حمایت‌شان می‌کند و چگونه همراه نیکوکاران است؟

در بدترین حالات، اگر از آنچه که می‌ترسیدی، پـیش آمـد یـا بعضـی از اسرار آشکار شد به گونه‌ای که احتیـاج بـه روشـن‌شـدن داشـت، موضـع و موقف خودت را برای دیگران توضیح بده و صراحتاً به توبه‌ات اعتراف کـن و بگو: بله من گناهکار بودم ولی توبه کرده‌ام حالا شما چه می‌خواهید؟

باید همگی به یاد آوریم که رسوایی حقیقی، تنها آن رسوایی اسـت کـه در روز قیامـت در برابـر الله انجـام مـی‌پـذیرد. بلـه در آن روز خـواری و رسوایی بزرگ که نه در برابـر صـد یـا دویسـت و نـه هـزار یـا دو هـزار می‌باشد، بلکه در برابر دیدگان تمامی مخلوقات از جنیان گرفته تا انسان‌ها، از آدم تا آخرین انسان می‌باشد.

۱- ترجمه قرآن از استاد انصاری صفحه ۳۵۰.

۲- صحیح سنن الترمذی ۳ / ۸۰.

روی به سوی دعای حضرت ابراهیم‌ﷺ آورید:

﴿وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ ۝٨٧ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ۝٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ۝٨٩﴾ [الشعراء: ۸۷ - ۸۹]

«و روزی که «همگان» برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا مکن * روزی که مال و فرزندان سود نبخشند * بلکه کسی «فایده می‌بیند که» دلی پاک نزد خداوند آورد *»[۱].

تلاش کن در لحظات حساس و مشکل خود را با نمونه دعاهای پیامبر ﷺ حصار کرده و محافظت نمایی.

«اللهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِنَا، وَآمِنْ رَوْعَاتِنَا».

(خداوندا! زشتی‌ها، شرمگاه‌ها و ضعفهای ما را بپوشان، و ترس ما را به امنیت بدل کن).

«اللّٰهُمَّ اجعل ثأرنا على من ظلمنا، وانصرنا على من بغي علينا».

(خداوندا! انتقام ما را از کسانی که بر ما ستم کرده اند بگیر و ما را بر هرکس بر ما عصیان کرده و بغاوت می‌کند یاری فرما).

«اللّٰهُمَّ لا تشمت بنا الأعداء ولا الحاسدين».

(خداوندا! زبان و شماتت دشمنان و حسودان را بر ما باز نکن)[۲].

۱- ترجمه قرآن از استاد انصاری صفحه ۳۷۱.

۲- برای آشنایی بیشتر با ادعیه‌های صحیح نبوی، می‌توانید به کتاب «توشه مسلمان» که ترجمه کتاب اذکار الصحیحة از شیخ سعد بریکی، توسط همین مترجم است مراجعه کنید. (م)

گناهانم زندگی را بر من تیره و تلخ ساخته است

ممکن است بگویی: آنقدر گناه انجام داده‌ام که با وجود آن که توبه کرده‌ام باز گناهانم مرا تعقیب و دنبال می‌کنند! و یادآوری‌ام نسبت به آنچه که انجام داده‌ام زندگی را بر من تلخ و ناگوار می‌سازد، و آرامش و استراحت در بستر را از من می‌گیرد. خواب را از چشمان برده و آسایشم را مختل ساخته و برهم می‌زند! راه نجات من از این فشار و رسیدن به اطمینان و آرامش چگونه است؟!

ای برادر مسلمان به تو می‌گویم:

این حالات و احساسات از نشانه‌های توبه صادقانه است، و این رفتار عیناً همان حالت پشیمانی از گناه است، پشیمانی از گناه خودش توبه می‌باشد. بنابراین، به آنچه که بر تو گذشته است با چشم امیدواری و رَجا بنگر، امید به آن که الله گناهانت را می‌بخشاید و هرگز از رحمت الهی ناامید مشو، مبادا از رحمت الله غافل شده و مأیوس شوی. زیرا که خداوند رحمان می‌فرماید:

﴿قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ ٥٦﴾ [الحجر: ۵۶]

«چه کسی است که از رحمت پروردگارش مأیوس شود (ناامید می‌گردد) مگر گمراهان (بی‌خبر از قدرت و عظمت خدا؟!)...»[۱].

۱- تفسیر نور صفحه ۲۹۱.

ابن مسعود ﷺ گوید:

«از بزرگترین گناهان کبیره شرک به الله (در صفات و افعال و...) و احساس امنیت و اطمینان‌کردن از عذاب الله و ناامیدی از رحمت الله و مأیوس‌شدن از فضل الله است»[1].

مؤمن با حالتی میان خوف و رجا (ترس و امید) به سوی پروردگارش حرکت می‌کند. گاهی بنا به ضرورت یکی از آن‌ها بر دیگری غلبه می‌کند. پس هرگاه عصیان و نافرمانی کند خوف بر او غلبه می‌کند تا توبه نماید و آنگاه که توبه کرده رجا بر او غلبه می‌کند تا عفو و بخشش الهی را بطلبد.

۱- عبدالرزاق این روایت را نقل کرده است و هیثمی و ابن کثیر آن را صحیح دانسته اند.

آیا اعتراف کنم؟

شخصی با صدایی اندوهگینن سئوال کرد: می‌خواهم توبه کنم، اما آیا واجب است بروم و به گناهانی که انجام داده‌ام اعتراف کنم؟

آیا از شرایط توبه‌ام آن است که به گناهانم در برابر قاضی در دادگاه اعتراف کنم و خواستار اجرای حدود بر خویشتن شوم؟

پس معنای آن قصه‌هایی که در صفحات قبل خواندی (از توبه ماعز و آن زن و آن مردی که زنی را در باغ بوسیده بود) چیست؟

ای برادر مسلمان، به تو می‌گویم

از مزایای توحید عظیمی که الله بدان راضی شده است، ارتباط بنده با پروردگارش بدون هر واسطه و وسیله‌ای می‌باشد.

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ﴾ [البقرة: ۱۸۶]

«چون بندگانم در باره‌ی من از تو بپرسند، (بگو:) به راستی که من (بسیار) نزدیکم. (و) دعای دعاکننده را هنگامی که مرا (به دعا) بخواند (جواب می‌دهم) روا می‌دارم»[۱].

پس هنگامی که ایمان آوردیم توبه مخصوص الله است، اعتراف‌کردن را هم باید مخصوص الله بدانیم. در دعای «سید الأستغفار» داریم «**أبوء لك**

---

۱ - ترجمه قرآن از استاد انصاری صفحه ۲۸.

بنعمتك علي وأبوء بـذنبي» یعنی: «ای الله به آن نعمت‌هایی که بـه مـن داده‌ای اعتراف می‌کنم و به گناهانم نیز اعتراف می‌کنم»[۱].

ما (مسلمانان) الحمـد لله هماننـد مسـیحیان نیسـتیم کـه پـدر روحـانی مقدس، صندلی اعتراف و مدرک و قباله بخشش و سـایر شـرایط و ارکـان خنده‌آور داشته باشیم. بلکه الله می‌گوید:

﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ﴾ [التوبة: ۱۰۴]

«آیا نمی‌دانند که آن الله است که توبـه بنـدگانش را (بـدون هـر واسـطه‌ای) می‌پذیرید».

اما در ارتباط با اجرای حدود و اقامه آن اگر حد به امام، حـاکم یـا قاضـی نرسد، بر انسان لازم نیست که به محکمه برود و اعتراف کنـد و هـرکس کـه خداوند گناهش را پوشاند (مادامی که به جامعه و کسی زیان نرساند) اشکالی ندارد که او هم آبروی خویش را حفظ کرده و گنـاهش را بپوشـاند. و همـان توبه (صادقانه‌اش) که بین او و پروردگارش منعقد می‌گردد کافی است.

یکی از اسم‌های خداوند سبحان « **السِتّیر**» است یعنی کسی کـه پوشـاندن گناهان بندگانش را دوست می‌دارد. اما داستانِ اصحاب پیامبر ﷺ (مـاعز، آن دو زنی که زنا کردند و مردی که زنی را در باغ بوسـید) مربـوط بـه حالـت خودشان می‌شد که بسیار بر پاک‌شدن وجودشان حریص بودنـد و کـاری را انجام دادند که بر آنان واجب نبود به دلیل آن که رسول رحمـت ﷺ زمـانی که ماعز به نزدشان آمـد یـا مرحلـه اول آمـدن آن زن، روی گردانیـده و بـه

---

۱ - برای دعای کامل سید الاستغفار می‌توانید به کتاب دعا مثل الماثورات شیخ حسن البنا، و توشـه مسلمان البریکی و کتب حدیث مراجعه کنید.

سخنان آنان توجهی نفرمودند و همچنین سخن عمررضی‌الله‌عنه در مورد آن مردی که زنی را در باغ بوسیده بود (اگر او خود گناهش را می‌پوشاند خداوند بر او پوشانده بود) و سکوت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وسلم بر آن گفتار که نوعی اقرار محسوب می‌شد دلیلی بر این امر است.

بر این منوال آنگاه که بنده گناهکار را خداوند رسوایش نکرده و عیبش را پوشانده است لازم نیست که دادگاه رفته تا اعترافاتش رسماً ثبت شوند، همچنین لازم نیست که نزد امام مسجد رفته و از او خواستار اجرای حدود شود. و نه نیازی است که از دوستی برای اجرای حدود و شلاق‌زدن در خانه کمک گرفته شود، همانگونه که در ذهن بعضی از افراد خطور می‌کند.

در این هنگام است زشتی موضع و برخورد بعضی از افراد نادان در برابر توبه‌کنندگان مشخص می‌شود. مانند داستان زیر که مختصراً می‌آوریم. روزی فرد گناهکاری به نزد امام نادانِ مسجدی رفت و نزد او به گناهانی که مرتکب شده بود اعتراف کرد و از او خواست تا حلالش کند. اما آن امام گفت: چاره‌ای جز این نیست که اولاً به دادگاه بروی و اعترافاتت قانوناً تأیید شود و حد بر تو جاری گردد آنگاه در باره‌ات تصمیم گرفته خواهد شد... آن بیچاره که دید توان و تحمل این دستور را ندارد از توبه-هایش رجوع کرد و به همان حالت اولی‌هاش بازگشت. این فرصت را برای بیان مطلب مهمی غنیمت می‌شمارم و می‌گویم:

ای مسلمان! شناخت احکام دین امانت است، همچنین طلب آن از مصادر و منابع صحیحش هم امانت است. پروردگار متعال می‌فرماید:

﴿فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٤٣﴾ [النحل: ۴۳]

پس اگر چیزی را نمی‌دانید از دانایان و آگاهان اهل کتاب بپرسید.

﴿ٱلرَّحۡمَٰنُ فَسۡـَٔلۡ بِهِۦ خَبِيرٗا ٥٩﴾ [الفرقان: ۵۹]

«او الله دارای رحمت فراوان و فراگیر است «و رحمت عام وی همه در بر گرفته است و مطیع و عاصی و مؤمن و کافر بر این خوان یغما نشسته اند. اگر می‌خواهی از ادوار آفرینش هستی باخبر گردی» پس از شخص بسیار آگاه و فرزانه بپرس...».

بنابراین، هر واعظ و سخنرانی صلاحیتِ فتوادادن ندارد، همچنین هر امام مسجدی یا مؤذنی صلاحیت آن را ندارد که احکام شرعی را در ارتباط با قضایا و مشکلات مردم بیان کند، به همین صورت هر ادیب و قصه‌گویی حق ندارد فتواهای شرعی را نقل کند! از مسلمانان سئوال خواهد شد که از چه کسی فتوا می‌گیرند و این مسأله امری عبادی می‌باشد.

رسول خدا ﷺ برای امتش از امامان و پیشوایان گمراه‌کننده ترسیده و بیم داده است! یکی از پیشوایان صالح گذشته «سلف» گفته است:

این علم، دین است، نگاه کنید که از چه کسی دین‌تان را می‌گیرید.

ای بندگان خدا! از این لغزشگاه‌ها بپرهیزید و هر مشکلی که برای شما پیش می‌آید پاسخ و حل آن را از اهل علم شرعی و متخصصین آن بخواهید. «والله المستعان».

فتواهای مهمی برای توبه‌کنندگان

ممکن است بگویی: می‌خواهم توبه کنم اما از احکام توبه آگاهی ندارم، و سئوال‌های فراوانی از صحت توبه در مورد بعضی از گناهان در ذهنم می‌گذرد، همچنین از چگونگی اجرای حقوق‌های خداوندی که در آن کوتاهی کرده‌ام و از راه برگرداندن حقوق بندگانی که از بین برده‌ام، آیا این سئوالات جوابی هم دارند؟

ای رجوع‌کننده به سوی الله! این پاسخ‌ها را که اندکی از عطش وجودت را می‌کاهند به دقت بخوان:

***

س۱: مرتکب گناهی شده‌ام و سپس از آن توبه کرده‌ام ولی نفس امّاره و بدم بر من غلبه کرده و مجدداً آن گناه را انجام می‌دهم! آیا توبه اول من باطل شده است و گناه اول به همراه گناهان بعدی بر گردنم می‌باشد؟

ج۱: بیشتر دانشمندان اسلامی عدم بازگشت به گناه را در صحت توبه شرط قرار نداده اند. و جز این نیست که صحت توبه ۱- بر دست کشیدن از گناه و ۲- پشیمانی از آن و ۳- تصمیم و اراده قاطع بر عدم بازگشت به آن متوقف می‌شود. و چنانچه شخص مجدداً مرتکب آن گناه گردد مانند کسی است که گناه جدیدی را انجام داده که نیاز به توبه جدیدی از آن گناه را دارد. بنابراین، توبه اول صحیح می‌باشد...

س۲: آیا توبه از گناهی صحیح است در حالی که بر گناه دیگری اصرار ورزیده و آن را انجام می‌دهم؟

ج۲: بله، توبه از گناهی درست است هرچند که شخص بر گناه دیگری همچنان ادامه دهد به شرط آن که آن گناه شبیه و مثل گناه اول نباشد و به آن تعلق و ارتباطی نداشته باشد. به عنوان مثال، اگر از ربا توبه کرد ولی از میگساری و شراب‌خوردن توبه نکرد، توبه او در ارتباط با ربا صحیح می‌باشد. عکس آن هم صحیح است.

اما اگر از ربای فضل[1] توبه کرد ولی از ربای نسیه[2] توبه نکرد در آن حالت توبه‌اش قبول نمی‌شود.

همچنین اگر کسی از کشیدن و مصرف حشیش توبه کرد، اما همچنان بر خوردن شراب و میگساریش ادامه دهد یا برعکس، توبه‌اش پذیرفته نشده و قبول نخواهد بود. یا کسی از زنا با زنی توبه کند ولی همچنان این عمل زشت را با زن دیگری ادامه دهد. نهایت رفتار این افراد این است که از نوعی گناه منصرف شده، اما به نوعی دیگر و مشابه آن روی آورده اند. (برای توضیح بیشتر می‌توانید به کتاب مدارج السالکین تألیف ابن قیم رجوع کنید).

***

۱- یک کیلو طلا یا نقره به کسی بدهد در برابر یک و نیم کیلو و در همان مجلس جنس داده و گرفته شود این ربای فضل است و حرام است.

۲- یک کیلو طلا هم اکنون داده شود که بعد از یک ماه دو کیلو بدهد، این ربای نسیه است و حرام است.

س۳: درگذشته حقوق خداوند را در ارتباط با نماز، روزه و زکات انجام نداده‌ام، الآن چه باید بکنم؟

ج۳: در مورد تارک نماز، فتوای راجح آن است که نیازی به قضای آن ندارد، زیرا وقتش فوت شده و گذشته است و امکان درک و دریافت نمازهای فوت شده در زمان‌های واجب و تعیین شده وجود ندارد، اما به جای آن‌ها باید به کثرت توبه و استغفار کرده و همچنین به کثرت نمازهای نافله و اعمال نافله انجام داد شاید که خداوند از آن بگذرد. در مورد تارک روزه، اگر فرد هنگام ترک روزه، مسلمان باشد باید قضایی روزه را به همراه غذا دادن به یک مسکین به ازای هر روز، روزه ترک شده بدون عذر از رمضان به جای آورد تا به رمضان بعدی برسد. این کفاره تأخیر در گرفتن روزه ماه رمضان می‌باشد و جریمه آن دوچندان نخواهد شد، هرچند که چند رمضان پی در پی قضا شود.

مثال الف: شخصی ۳ روز در رمضان ۱۴۰۰ هجری قمری و ۵ روز در رمضان ۱۴۰۱ هجری قمری به سبب سهل‌انگاری روزه نگرفته است، سرانجام بعد از دو سال توبه کرده و به خداوند رجوع می‌کند. در این حالت فقط هشت روز باید به عنوان قضایی رمضان روزه بگیرد و لازم است به تعداد ۸ نفر مسکین غذا بدهد (یا به یک مسکین هشت روز غذا بدهد).

مثال ب: دختری در سال ۱۴۰۰ هجری قمری به بلوغ می‌رسد و از خجالت خبر بلوغش را به خانواده نداده و در هشت روز ماهواره‌اش[1]

۱- ایام عادت زنان.

روزه گرفته و بعداً هم قضایی آن را به جای نمی‌آورد. سرانجام مدتی بعد توبه می‌کند. این دختر نیز مانند حکم قبل باید فقط همان روزهای قضایی را روزه بگیرد.

در اینجا لازم است بدانید میان ترک نماز با ترک روزه تفاوت وجود دارد. البته گروهی از علماء معتقدند کسی که روزه را عمداً و بدون عذر ترک کرده روزه قضایی ندارد.

در مورد تارک زکات، بر او واجب است تمامی زکات‌هایی را که پرداخت نکرده از اموالش خارج کند و بپردازد، زیرا آن از یک جهت حق خداوند است و از جهت دیگر حق فقیران. (برای تفصیل بیشتر به کتاب مدارج الساکین ۱ / ۳ مراجعه کنید).

***

س٤: اگر گناه و بدی در حق انسانی باشد، توبه از آن گناه چگونه خواهد بود؟

ج٤: اصل در اینجا حدیث رسول خدا ﷺ است:

«مَنْ كَانَتْ لِأَخِيهِ عِنْدَهُ مَظْلِمَةٌ، مِنْ عِرْضٍ أَوْ مَالٍ، فَلْيَتَحَلَّلْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ يُؤْخَذَ مِنْهُ يَوْمَ لَا دِينَارٌ وَلَا دِرْهَمٌ، فَإِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أُخِذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلَمَتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ فَجُعِلَتْ عَلَيْهِ» رواه البخاری.

«هرکس از برادر مسلمانش حقی بر گردنش باشد (بر او ظلم کرده باشد) از مال یا آبرویش، باید امروز از او حلالی بطلبد قبل از آن روزی که هیچ دینار و درهمی وجود ندارد، اگر دارای عملی صالح و نیکی باشد به اندازه ستمی که کرده است از او گرفته می‌شود، ولی اگر عمل صالحی نداشته باشد از گناهان برادر مسلمانش برداشته می‌شود و به او اضافی می‌گردد.

بنابراین، شخص تائب از بار این ستم‌ها خارج می‌شود یا با برگرداندن حق به صاحبش یا با حلالی‌طلبیدن از کسانی به آن‌ها ظلم کرده است تا او را عفو و بخشش نمایند آن هم با میل و رغبت و گرنه باید حقوق‌شان را ادا کند.

س۵: مرتکب غیبت شخص یا اشخاصی شده‌ام و به تعدادی بیگناه هم تهمت زده‌ام. آیا برای توبه‌کردن از این گناه ضمن طلب عفو و بخشش باید آنچه را که کرده و گفته‌ام به آنان اطلاع دهم؟ اگر چنین شرطی وجود ندارد، چگونه باید توبه کنم؟

ج۵: این مسئله در اینجا با توجه به مسائل و مفاسد موجود قابل بررسی است.

اگر هرگاه آنان را از آنچه که غیبت کرده‌ای یا تهمت زده‌ای باخبر کنی، خشمگین نشده و کینه و اندوه‌شان زیاد نمی‌شود، به صراحت آنچه را که انجام داده‌ای به ایشان بگو و از آنان طلب عفو و بخشش کن هرچند که با عبارات‌های کلی یا عمومی باشد. مانند آن که بگویی من درگذشته در حق تو کوتاهی و اشتباه کرده‌ام یا با سخنی به تو ظلم کرده‌ام و حالا نزد خدا از این عملم توبه کرده‌ام تو نیز محبت کن از حقّت بگذر و مرا ببخش. (در اینجا نیازی به توضیح و شرح بیشتری نیست و اشکالی ندارد که هرچه گفته‌ای به او بگویی).

ولی اگر هنگام گفتن آنچه گفته‌ای، آنان به خشم آمده و کینه و اندوه‌شان زیاد می‌شود (چه بسا که غالباً همین اتفاق می‌افتد) یا حتی اگر بخواهی با عبارت‌هایی کلی و عمومی آنان را مطلع‌سازی راضی نمی‌شوند، مگر آن که مفصلاً برایشان توضیح دهی که در این حالت نیز

به هنگام شنیدن ناراحتی‌شان بیشتر می‌شود، اصلاً واجب نیست آنـان را از آنچه گفته‌ای باخبر کنی. زیرا شریعت به زیادشـدن مفاسـد و اخـتلاف‌هـا فرمان نمی‌دهد. باخبرکردن شخصی بـه امـوری کـه قبـل از شـنیدن آن در راحتی و آسایش بوده به گونه‌ای که سـبب خشـم و نـاراحتی او شـود بـا اهداف شریعت در نزدیکی قلب‌ها و ایجاد محبت بـین مسـلمانان منافـات دارد. چه بسا این خبردادن سبب دشمنی گردد که هرگز قلب شخص از آن کسی که غیبتش را کرده صاف نگردد.

در این حالت برای توبه این امور کفایت می‌کند:

پشیمانی و طلب مغفرت از الله و با دقت اندیشیدن در زشتی آن گناه و اعتقاد به حرام بودنش.

نفسش را نزد آن کسی که غیبت کرده یا تهمت زده است محکوم و تکذیب کند و از شخصی که مورد تهمت قرار گرفته دفاع کرده و تبرئه‌اش کند.

از آن کسی که غیبت کرده به نیکی یاد کند به ویژه در مجالسـی کـه در حقش ظلمـی را روا داشـته اسـت و سـعی کنـد خـوبی‌هـایش را بـه یـاد آورده و تعریف کند.

از کسی که غیبت کرده است دفاع کند، و هرگاه دید کسی می‌خواهد به او بدی کرده یا غیبتش را کند مانع ایـن کـار شـود و نگـذارد، دیگـران در حقش بدی یا ستمی را روا دارند.

در غیاب برای کسی که از او غیبـت کـرده طلـب مغفـرت و بخشـش بنماید. (برای تفصیل بیشـتر بـه کتـاب‌هـای مـدارج السـالکین ۱ / ۲۹۱ و المغنی به همراه شرحش ۱۲ / ۷۸ مراجعه کنید)...

توجه کن ای برادر مسلمان! بین حقوق مالی و جنایات بدنی با غیبت و خبرچینی تفاوت وجود دارد. زیرا حقوق مالی را آنگاه که صاحبان‌شان آگاه شوند می‌توانند از آن استفاده کنند و بدین خاطر خوشحال هم خواهند شد. بدین سبب کتمان آن جایز نمی‌باشد برخلاف حقوقی که در ارتباط با آبرو و حیثیت افراد می‌باشد و همچنین حقوقی که هرگاه افراد از آن آگاهی یابند ثمری غیر از ناراحتی، هیجان و زیان ندارد.

***

س۶: کسی که به عمد قتلی را انجام داده است چگونه توبه کند؟

ج۶: شخصی که مرتکب قتل عمدی شده است سه نوع حق بر گردنش می‌باشد:

حق خدا، حق مقتول و حق وارثان مقتول.

حق خدا: این حق تنها با توبه ادا می‌شود.

حق وارثان مقتول: این است که خود را تسلیم آنان کند تا حق‌شان را یا با قصاص یا با «دیه» و یا با بخشش از او بگیرند.

اما حق مقتول باقی می‌ماند، زیرا امکان ادا یا وفای آن در دنیا وجود ندارد. در اینجا علمای علوم اسلامی می‌گویند: (اگر توبه قاتل صادقانه و صحیح باشد، خداوند خودش حق مقتول را از گردنش برمی‌دارد و در روز قیامت به جای آن به مقتول از جانب خودش پاداش نیک عطا می‌کند. این بهترین نظر در این باره است. (مدارج السالکین ج ۱ صفحه ۲۹۹).

***

س۷: دزد و سارق چگونه توبه کند؟

ج۷: اگر آنچه را که به سرقت برده الان نزدش می‌باشد به صاحبان‌شان بازگرداند.

اما اگر از بین رفته یا ارزشش به سبب استفاده یا گذشت زمان کم شده است بر او واجب است معادل آن را بدهد (یا معادل ارزشی آن را محاسبه کند و بپردازد) مگر آن که صاحبان اموال او را ببخشند و گذشت کنند. (حمد و ستایش ویژه‌ی خداوند است).

***

س۸: بسیار مضطرب و پریشان می‌شوم هرگاه با افرادی که از آنان سرقت کرده‌ام روبرو می‌شوم و نمی‌توانم به صراحت به آنان بگویم و یا طلب عفو و بخشش بنمایم، بگوئید چه باید بکنم؟

ج۸: حال که نمی‌توانی با آنان روبرو شوی بر تو واجب نیست که چنین کنی و می‌توانی به دنبال راهی بگردی که حقوق‌شان را ادا کنی. به عنوان مثال: حقوق‌شان را توسط شخص دیگری برایشان بفرستی بدون آن که نامت را بدانند یا معرفی‌ات کند یا توسط پست بفرستی یا آن که آن را پنهانی نزدشان بگذاری و یا آن که توریه[1] کرده و بگویی این حق شماست که نزد شخصی بوده و نمی‌خواهد نامش برده شود. در هر صورت مهم بازگرداندن حق به صاحبان‌شان می‌باشد.

***

۱- توریه در علم بدیع به کاربردن لفظی در سخن با دو معنی دور و نزدیک است که قصد گوینده معنی دور باشد (الرائد، ترجمه دکتر انزابی نژاد صفحه ۵۶۷).

س۹: من از جیب پدرم پول سرقت می‌کردم و الآن می‌خواهم توبه کنم، ولی دقیقاً نمی‌دانم چه مقدار دزدیده‌ام و از برخورد با او هراسان می‌باشم و خود را گناهکار می‌دانم؟

ج۹: تو باید مقدار مورد سرقت را براساس گمان غالب حدس بزنی یا حتی بیش از آن را و اشکالی ندارد که آن را پنهانی به پدرت بازگردانی همانگونه که سرقت کرده‌ای.

***

س۱۰: اموالی از مردم سرقت کرده‌ام و الآن توبه کرده‌ام ولی آدرس‌های آنان را نمی‌دانم؟

دیگری می‌گوید: از شرکتی، مقداری اموال اختلاس کرده‌ام ولی الآن کار آن شرکت به پایان رسیده و کشور را ترک کرده است؟

نفر سوم می‌گوید: از مکان تجاری کالایی را سرقت کرده‌ام ولی الآن مکانش تغییر کرده و صاحبش را هم نمی‌شناسم؟

ج۱۰: تو ابتدا باید به اندازه‌ی توان و امکاناتت به دنبال آدرس آنان بگردی، اگرایشان را یافتی اموال‌شان را بازگردان و«الحمد لله» و چنانچه صاحب آن فوت کرده بود به ورثه‌اش بده. ولی چنانچه علیرغم جستجوی زیاد، آنان را نیافتی اموال را به نیابت از صاحبانش صدقه بده و به جای آنان نیت کن، هرچند که کافر باشند زیرا خداوند در دنیا به آنان (اگر کافر باشند) عطا خواهد کرد نه در آخرت.

این مسئله شبیه حکایتی است که ابن قیم رحمه در کتاب مدارج السالکین ۱ / ۳۸۸ نقل می‌کند:

مردی در سپاه اسلام از غنائم سرقت کرد. مدتی بعد توبه کرده و آنچه را که دزدیده بود نزد فرمانده سپاه آورد ولی او آن‌ها را قبول نکرده و گفت: چگونه آن‌ها را به سپاه برسانم در حالی که همه متفرق شده اند!

شخص تائب نزد «حجاج بن شاعر» رفته و از او استفتاء کرد. حجاج به او گفت: فلانی، خداوند تمامی سربازان و جنگاوران آن سپاه را به اسم و شهرت و طایفه می‌شناسد. بنابراین، خمس آن را به اهلش بده و باقی‌مانده را به جای آنان صدقه بده. زیرا خداوند آن را به آنان می‌رساند او نیز چنین کرد. زمانی که خبر به معاویه رضی الله عنه رسید گفت: به تحقیق فتوای تو از نصف پادشاهی‌ام نزدم محبوب‌تر می‌باشد.

در اینجا شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله فتوایی مشابه در این مسئله دارد که در مدارج السالکین آمده است.

***

س۱۱: اموالی از تعدادی یتیم غصب کرده‌ام و با آن‌ها تجارت کرده و سود برده‌ام تا آنجا که آن اموال چند برابر شد. در این هنگام از خداوند ترسیدم و پشیمان شدم نمی‌دانم چگونه توبه کنم؟

ج۱۱: علما در این مسئله دارای آراء متفاوتی هستند، معتدل‌ترین و میانه‌روترین آن‌ها آن است که اصل مال را به همراه نصف استفاده به یتیمان بازگردانی. گویا که تو با آن‌ها در استفاده شریک بوده ای ضمن آن که اصل مال را هم برگردانده‌ای.

این فتوای رای امام احمد بن حنبل و ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم رحمه الله می‌باشد. (مدارج السالکین ۱ / ۳۹۲). همچنین اگر چوپانی شتر یا گوسفندی را غصب کند و آن حیوان برایش شتران یا گوسفندانی بزاید. همان حیوان به همراه نصف آنچه که زایده مال صاحب اصلی می‌باشد و چنانچه حیوان مرد، قیمتش را به همراه نصف زایمانش به مالکش برگردانده می‌شود.

***

س۱۲: شخصی در ترمینال باربری هوایی کار می‌کند گاهی کالاهایی در آنجا نامعلوم باقی می‌ماند. او نیز دستگاه ضبط صوتی را اختلاس می‌کند سرانجام بعد از چند سال توبه می‌کند، آیا همان ضبط صوت برگردانده شود یا قیمتش یا دستگاهی شبیه به آن، با توجه به آن که این نوع ضبط الآن در بازار پیدا نمی‌شود؟

ج۱۲: آن ضبط صوت به همراه آنچه از قیمتش کاسته شده (در اثر استفاده یا گذشت زمان) برگردانده شود. البته باید به روشی مناسب صورت پذیرد، بدون آن که خود را اذیت کند، اگر مانعی وجود داشت قیمتش را به نیابت از صاحب اصلی‌اش صدقه بدهد.

***

س۱۳: اموالی از ربا نزدم بوده ولی همه آن‌ها را خرج کرده‌ام و هیچ چیز از آن‌ها نزدم باقی نمانده است، حالا توبه کرده‌ام و نمی‌دانم چه چیزی بر من واجب است؟

ج١٣: هیچ چیز بر تو جز توبه نصوح و خالصانه برای خدا و به سوی او واجب نیست. اما این را بدان ربا عملی بسیار خطرناک و گناهی بزرگ است، زیرا خداوند متعال در قرآن کریم به هیچ‌کس اعلان جنگ نداده مگر با رباخواران و نُزول. حال که اموال ربا همه‌اش از دستت رفته دیگر بر تو چیزی در این مورد واجب نیست.

***

س١٤: با پولی که قسمتی از آن حرام و قسمتی حلال می‌باشد ماشینی خریده‌ام که الان نزدم می‌باشد ولی حالا نمی‌دانم چه کنم؟

ج١٤: هرکس چیزی با مال حرام و حلال بخرد که قابل تفکیک نباشد مانند خانه و ماشین، کافی است که از اموال دیگرش به مقدار آن حرام خارج کرده و جهت پاک‌کردن آن‌ها صدقه بدهد. ولی چنانچه آن مال حرام حق دیگران باشد واجب است مطابق آنچه توضیح داده شد مثلش بازگردانده شود.

***

س١٥: با اموالی که از سود تجارت دخانیات (تنباکو، توتون، سیگارو مشتقات آن‌ها) کسب کرده‌ام چه کنم؟ همچنین اگر با این اموال، مال حلال مخلوط شده باشد؟

ج١٥: هرکس که با محرماتی از قبیل آلات موسیقی، نوارهای صوتی و تصویری حرام و انواع دخانیات تجارت کند و از حکم آن‌ها خبر داشته باشد سپس توبه کند، باید سودهایی را که از این معاملات به دست آورده

فقط در راه‌های خیریه مصرف کند نباید صدقه بدهد، زیرا خداوند متعال پاک است و جز پاک را نمی‌پذیرد.

هرگاه این مال حرام با مال حلالی مخلوط شده باشد مانند فروشنده مغازه‌ای که در کنار سایر مواد مباح، سیگار نیز می‌فروشد. لازم است براساس تلاش و تشخیصی که می‌دهد مقدار آن مال حرام را محاسبه کرده و مطابق با حدس غالبی که می‌زند از اموالش خارج کند بدین وسیله کاسبی‌اش را از کسب حرام پاک کرده است. این را باید بداند که خداوند متعال به جای آن برایش خیر و برکت را مقدر می‌کند، زیرا او بسیار گسترش‌دهنده و بخشنده و بزرگوار است.

در هر صورت چنانچه عموماً اموالی از کسب حرام نزدش می‌باشد و می‌خواهد توبه کند حال اگر:

هنگام تجارت و کسب آن کافر بوده است بر او هنگام توبه لازم نیست، از اموالش مال حرام را خارج نماید، زیرا رسول خدا ﷺ از اصحابش هنگامی که مسلمان شدند نخواست آنچه را که از راه حرام در جاهلیت به دست آورده اند از اموال‌شان جدا کنند.

اما اگر شخص هنگام کسب حرام مسلمان و آگاه به تحریم آن باشد، هرگاه توبه نماید باید آنچه را که از راه‌های حرام به دست آورده از اموالش خارج کند و در راه‌های خیر خرج نماید.

***

س۱۶: شخصی قبلاً رشـوه گرفتـه و سـپس خداونـد او را بـه راه مستقیم هدایت کرده است، حال باید با اموالی که از راه رشوه به دست آورده چه کند؟

ج۱۶: این شخص از دو حالت بیرون نیست:

یا آن که این رشوه را از صاحب حق مظلومی گرفته اسـت کـه مجبـور شده به خاطر دستیابی به حقش رشوه دهد و چاره‌ای جز رشوه‌دادن بـرای رسیدن به حقش نداشته است، در اینجا لازم است که شخص تائب آن مال را به رشوه دهنده صاحب حق بازگرداند، زیرا او را به اجبار بـه ایـن کـار وادار ساخته است.

یا آن که رشوه را از رشوه دهنده ظالمی گرفته که هدفش آن بوده تـا از رشوه دادن به چیزهایی دست یابد که حقش نبـوده اسـت. در ایـن حالـت اموال به رشوه دهنده بازگردانده نمی‌شود و بر تائب لازم اسـت ایـن مـال حرام را در راه‌های خیر مانند بخشـیدن بـه فقیـران خـرج کنـد. همچنـین شخص باید از آن که سبب شده حق به صاحبش نرسد توبه کند.

***

س۱۷: کارهای حرامی انجام داده‌ام و در مقابـل آن کارهـا امـوالی گرفته‌ام، حال که توبه کرده‌ام آیا باید آن اموال را به کسانی که داده اند بازگردانم؟

ج۱۷: شخصی که در مشاغل حرام کار می‌کنـد یـا خـدمات حرامـی را انجام می‌دهد و در مقابل آن مزدی میگیرد، هرگـاه توبـه کنـد و آن امـوال

حرام نزدش باشد باید آن‌ها را از اموالش خارج کرده و در راه خیر خرج کند و نباید به کسانی که آن‌ها را داده اند بازگرداند.

به عنوان مثال: زن زانی که به خاطر عمل زنا پول می‌گیرد، هرگاه توبه کرد نباید آن پول را به مرد زانی که داده بازگرداند.

یا نوازنده‌ای که به خاطر موسیقی حرام پول می‌گیرد، اگر توبه کند نباید آن پول را به صاحبان مجلس بازگرداند.

یا فروشنده مشروبات الکلی و شراب یا مواد مخدر و دخانیات اگر توبه کند نباید پول‌ها را به کسانی که از او خرید کرده اند بازگرداند.

یا کسی که شهادت دروغ می‌دهد اگر توبه کند نباید پول‌هایی را که گرفته به شخصی که او را استخدام کرده بازگرداند. همچنین می‌توان مثال‌های دیگری آورد. علّت آن است که اگر آن مال‌های حرام را به صاحبان گناهکارش بازگرداند آنان نیز باز این اموال را در راه‌های حرام به کار خواهند گرفت و از شخص دیگری استفاده می‌کنند و مجدداً نافرمانی و معصیت خداوند را خواهند کرد. بنابراین، شخص باید خود را از آن حرام خلاص کرده و آن‌ها را در راه‌های خیر خرج کند. این رأی را شیخ الإسلام «ابن تیمیه» برگزیده و شاگردش ابن قیم ترجیح داده است «مدارج السالکین ۱ / ۳۹۰».

***

س۱۸: کاری است که مرا مضطرب و آشفته ساخته به گونه‌ای که تحمل و طاقت آن را نداشته و مبتلا به بی‌خوابی شده‌ام! آن این است که مرتکب عمل فاحشه و پلیدی با زنی شده‌ام، نمی‌دانم چگونه توبه کنم؟ آیا برای پوشاندن این رسوایی جایز است با او ازدواج کنم؟

شخص دیگری می‌پرسد که در خارج از کشور مرتکب عمل فحشا شده و در نتیجه، آن زن حامله شده است آیا آن کودک فرزند اوست؟ و آیا بر او واجب است که نفقه آن فرزند را بفرستد؟

ج۱۸: سؤالات پیرامون موضوعاتی در ارتباط با پلیدی‌ها و فواحش چنان زیاد شده است که بر تمامی مسلمانان واجب می‌گرداند مجدداً نظری به اوضاع و احوال‌شان انداخته و در مسیر اصلاح‌شان در پرتو هدایت‌های قرآن و سنت بیندازد به ویژه در مورد مسائلی مانند «وجوب غض بصر» (چشم فروکشیدن و حیای چشم)، تحریم خلوت یا نامحرم، دست‌ندادن و مصافحه‌نکردن با زنان نامحرم و... رعایت کامل حجاب شرعی، خطرات اختلاط زن و مرد در محیط‌های آموزشی و کار، مسافرت‌نکردن به سرزمین کفار، توجه به بازسازی و تحکیم خانواده‌ی اسلامی و خانه مسلمان و ازدواج با دختران باکره و برداشتن دشواری‌های موجود از سر راه آن‌ها باید توجه بیشتری کرد.

اما در ارتباط با سئوال کسی که عمل زشت و پلید زنا را انجام داده از دو حالت بیرون نیست:

اگر کسی به عنف و اجبار و بدون میل زنی با او زنا کرده است، باید مهر مثل[1] را به آن زن بپردازد، آن هم به علت ضرر و زیانی که بر او وارد کرده است به همراه توب‌های صادقانه و نصوح. و چنانچه کارش به امام مسلمانی یا قاضی به نیابت از او کشیده شد باید به اجرای حدود شرعی

۱- مهر مثل مهری را گویند که در جامعه عموماً رواج داشته و مهر متوسط و معمول محاسبه می‌شود.

تن دهد (برای تفصیل بیشتر می‌توانید به مدارج السالکین ۳۶۶/۱ مراجعه کنید).

و چنانچه با زنی از روی میل و رغبت او زنا کرد، فقط توبه شامل مرد می‌شود و فرزند هم مطلقاً به مرد تعلق نداشته و نفقه‌هایش هم بر گردنش نمی‌باشد، زیرا آن فرزند از راه همخوابگی نامشروع به دنیا آمده است و یا چیزی شبیه به آن که مربوط به مادرش می‌شود و جایز نیست فرزند به مرد زانی ملحق شود.

از طرف دیگر برای توبه‌کننده جایز نیست به خاطر پوشاندن قضیه با آن زنی که زنا کرده ازدواج کند، زیرا خداوند متعال در سوره نور آیه ۳ می‌فرماید:

﴿ٱلزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةً وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞ﴾.

«مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و زن زناکار، جز مرد زناکار یا مشرک را به زنی نگیرد،»

همچنین جایز نیست زنی را که در اثر زنا حامله است عقد کند، هرچند که بچه از خودش باشد. به همین صورت با زنی که نمی‌داند حامله است یا نه نیز عقد جایز نمی‌باشد.

اما اگر آن مرد توبه کرد و آن زن هم توبه‌ای صادقانه کرد و مشخص شد حامله نیست جایز است با او ازدواج کند و زندگی جدیدی را که مورد رضای خداوند متعال است شروع کنند.

***

س۱۹: پناه بر خدا، سال‌ها پیش مرتکب عمل زشت و پلید زنا شدم در نتیجه همان زن را عقد کردم و چندین سال باهم زندگی کردیم، الآن ما هردو توبه‌ای صادقانه کرده ایم، حال چه باید بکنیم و چه چیزی بر ما واجب است؟

ج۱۹: چنانچه توبه هردو نفر شما صحیح و درست و صادقانه باشد بر شما واجب است مطابق با شرایط شرعی ازدواج (رضایت ولی و دو شاهد) مجدداً به عقد یکدیگر درآئید. البته لازم نیست که این عقد در محضر و یا مجلس باشد همانکه در منزل در حضور دو شاهد و ولی باشد کفایت می‌کند.

***

س۲۰: زنی می‌گوید: که با مردی صالح ازدواج کرده است در حالی که قبل از ازدواج کارهایی انجام داده که خداوند از آن‌ها راضی نمی‌باشد ولی الآن وجدانش دائماً او را سرزنش می‌کند و می‌پرسد: آیا بر او واجب است آنچه را که در گذشته انجام داده است به شوهرش بگوید؟

ج۲۰: بر هیچکدام از زن و شوهر واجب نیست دیگری را از منکراتی که قبل از ازدواج انجام داده است باخبر کند. بنابراین، هرکس به چیزی از این اعمال زشت و پلید مبتلا شد آن را همانگونه که خداوند بخشنده پوشانده است بپوشاند و همین اندازه که توبه‌ای نصوح بکند کفایتش می‌کند.

اما چنانچه کسی با زن باکره‌ای ازدواج کرد اما شب زفاف متوجه شد که آن زن به علت عمل فاحشه (زنا) درگذشته بکارتش را از دست داده است، این حق را خواهد داشت که بتواند مهری را که به او داده باز پس گیرد و طلاقش دهد. اما اگر دید که توبه کرده بهتر است گناهش را بپوشاند و آن زن را طلاق ندهد، زیرا برایش بدین سبب اجر و پاداش از جانب خداوند منظور خواهد شد.

***

س۲۱: کسی که از عمل بسیار پلید و زشت لواط توبه کرده است چه باید بکند؟

ج۲۱: بر فاعل و مفعول در این عمل پلید واجب است توبه‌ای بسیار بزرگ و صادقانه کرده و به خداوند رحمان روی آورند. زیرا مشخص نیست شاید الله بر آنان همانگونه که بر قوم لوط به خاطر قباحت و زشتی جنایت‌شان عذاب فرو فرستاد انواع عذاب را فرو فرستد.

بصیرت و آگاهی را از آنان (قوم لوط) گرفت و همانند کوران گرداند، بگونه‌ای که بی‌هدف و کورمال کورمال راه رفته و زندگی می‌کردند، همچنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿فَطَمَسۡنَآ أَعۡيُنَهُمۡ﴾ [القمر: ۳۷]

«ما چشمان‌شان را کور کردیم و روشنایی را از آن‌ها برداشتیم...».

بر آنان صدا و فریادی مهیب و مرگبار فرو فرستاد.

سرزمین‌شان را به شدت تکان داده و ویران و نابود ساخت به گونه‌ای که همه عمارت‌های آنان را واژگون ساخت.

بر آنان چنان بارانی از توده‌های گله‌های خشک و سنگین فرو فرستاد که در سپیده دم همگی‌شان را نابود ساخته و به هلاکت رساند.

بدین سبب حدی که بر مرتکب این عمل فحشاء اجرا می‌گردد (محصن یا غیر محصن – همسردار یا بی‌همسر) فقط کشتن است. زیرا رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «**مَنْ وَجَدْتُمُوهُ يَعْمَلُ عَمَلَ قَوْمِ لُوطٍ، فَاقْتُلُوا الْفَاعِلَ، وَالْمَفْعُولَ**»[1] «هرکس را یافتید که عمل قوم لوط را انجام می‌دهد فاعل و مفعول آن عمل را بکشید».

***

س۲۲: من توبه کرده‌ام ولی مقداری از اشیاء حرام مانند آلات موسیقی و نوارها و فیلم‌های مبتذل نزدم موجود می‌باشد، آیا جایز است که آن‌ها را بفروشم به خصوص که ارزش پولی‌شان بسیار زیاد است؟

ج۲۲: خرید و فروش آنچه که حرام است جایز نمی‌باشد همچنین پولی که از فروش محرّمات (آنچه که حرام است) به دست می‌آید حرام می‌باشد. رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «**إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ**».[2] یعنی (به راستی که هرگاه خداوند چیزی را حرام بگرداند پول آن را نیز حرام گردانیده است). آنچه که تو می‌دانی این است که دیگران از محرمات استفاده خواهند کرد. بنابراین، بدان که فروش آن‌ها برای تو جایز

۱- این روایت را ابوداود و ترمذی و ابن ماجه روایت کرده اند و البانی آن را در «ارواء الغلیل» صحیح دانسته است.

۲- به روایت را ابوداود و آن حدیث صحیح دانسته است.

نمی‌باشد، زیرا این عمل را خداوند متعال حرام گردانیده و می‌فرماید:

﴿وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ﴾ [المائدة/۲]

«یعنی بر انجام گناه و دشمنی و عداوت یکدیگر را یاری و مساعدت نکنید».

اما هرآنچه که از مال دنیا زیان می‌کنی نزد پروردگارت بهتر و جاودانه‌تر برای تو خواهد ماند و به فضل و کرم و بخشش بی‌انتهایش عوض آن را به تو خواهد داد.

***

س۲۳: انسان گمراهی بودم و اندیشه‌های بی‌دینی را تبلیغ می‌کردم و در این مسیر رمان‌ها، داستان‌ها و مقالات الحادی و کفرآمیزی می‌نوشتم همچنین اشعاری در انجام معاصی و محرّمات و دعوت دیگران به آن و گسترش فسق می‌سرودم، تا آن که خداوند مرا با رحمت بی‌کرانش دریافت و از ظلمات و تاریکی‌ها به سوی نور و روشنایی هدایت گرداند، اما نمی‌دانم چگونه باید توبه کنم؟

ج۲۳: سوگند به خدا این نعمت بسیار بزرگ و با عظمتی می‌باشد و این توبه همان هدایت حقیقی است که باید به خاطر آن خداوند متعال را سپاس بگذاری و از او ثبات و پایداری را طلبیده و خواهان فضل و کرم بیشترش باشی.

اما هرکس که زبان و قلمش را در جنگ با اسلام و تبلیغ عقاید انحرافی یا بدعت‌های گمراه‌کننده یا فسق و فجور به کار می‌گیرد اگر بخواهد توبه کند بر او واجب است کارهای زیر را انجام دهد:

اول: علناً توبه‌اش را از تمامی آنچه کرده اعلان کرده و بازگشتش در بین جمهور مردم را به هر وسیله یا راهی که در توانش است آشکار سازد تا از تمام کسانی که گمراه کرده پوزش بخواهد و آن باطلی که تبلیغش را می‌کرده رسوا سازد تا دیگر کسانی که تحت تأثیرش در قبل بوده یا از شبهاتی که مطرح می‌کرده پیروی می‌کردند فریب نخوردند، همچنین اشتباهاتی که در آن افتاده بود روشن سازد تا مبادا دیگران در آن بیفتد و از هرآنچه که گفته بیزاری و برائت بجوید. این آشکارسازی برای او یکی از واجبات توبه می‌باشد، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصۡلَحُواْ وَبَيَّنُواْ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَتُوبُ عَلَيۡهِمۡ وَأَنَا ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٠﴾ [البقرة: ۱۶۰]

«مگر کسانی که توبه کنند (از کتمان حق) و به اصطلاح (حال خود و جبران مافات) بپردازند و (آنچه را که از اوصاف پیغمبر و اسلام و دیگر حقائق می‌دانستند و پنهان می‌کردند) آشکار سازند. توبه‌ی چنین کسانی را می‌پذیرم و من بسی توبه‌پذیر و مهربانم...»[۱].

دوم: این که قلم و زبانش را در نشر و تبلیغ اسلام به کار گیرد و تمام توان و امکاناتش را در یاری دین خدا و آموزش حق به مردم و دعوت اسلامی بسیج کند.

سوم: این که این نیروها را در مقابله با دشمنان خدا و رسوائی‌شان و خنثی‌کردن توطئه‌هایشان به کار گیرد، همانگونه که آنان را در گذشته یاری می‌کرد و گمان‌ها و خیالات دشمنان اسلام را تخطئه کند و شمشیری در

۱- این حدیث را ابوداود روایت کرده است و صحیح می‌باشد.

دست اهل باطل باشد. همچنین هرکسی که شخصی را هرچند بـرای یـک بار به فواید امری حرام و جواز آن مانند ربا قانع کند بر او شایسـته اسـت که بازگردد و برای او همانگونه که گمراهش کرده بود، هدایتش گرداند تـا بدین وسیله کفّاره اشتباهاتش را ادا کرده باشد. «تنها الله هست که هـدایت می‌کند».

سخن آخر

ای بنده خدا! پروردگار مهربان درِ توبه را گشوده، آیا بهتـر نیسـت وارد آن شوی.

«إِنَّ لِلتَّوْبَةِ بَابًا عَرْضُ مَا بَيْنَ مِصْرَاعَيْهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وفي رواية عَرْضُهُ مَسِيرَةُ سَبْعِينَ عَامًا، لَا يُغْلَقُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا»[1].

(همانا توبه دارای دری می‌باشد که فاصله دو لنگه آن به اندازه مسـافت شرق تا غرب می‌باشد – در روایت دیگری آمده: که پهنای آن بـه مسـافت هفتاد سال می‌رسد و تا زمانی که خورشـید از محـل غـروبش طلـوع کنـد بسته نخواهد شد).

و در این مورد به خطاب الله متعال، گوش کن:

«يَـا عِبَـادِي! إِنَّكُـمْ تُخْطِئُـونَ بِاللَّيْـلِ وَالنَّهَـارِ، وَأَنَـا أَغْفِـرُ الذُّنُـوبَ جَمِيعًـا، فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ»[2]

(ای بندگان من! شما شب و روز خطا و اشتباه می‌کنید، ولی من تمـامی گناهان را می‌بخشایم. بنابراین، از من طلب مغفرت و بخشـش بنمائیـد تـا شما را مغرفت کرده و ببخشایم). حال آیـا بهتـر نیسـت طلـب اسـتغفار و بخشش کنی.

۱- این حدیث را طبرانی در الکبیر روایت کرده است (صحیح الجامع ۲۱۷۷).

۲- به روایت مسلم.

الله شب‌ها دست‌هایش را می‌گشاید تا توبه خطاکاران روز را بپـذیرد و همچنین روزها دست‌هایش را می‌گشاید تا توبه خطاکاران شب را بپـذیرد، این را بدان که الله، عذرخواهی و پوزش بندگانش را دوست می‌دارد. پـس آیا بهتر نیست به سوی الله روی آوری.

سوگند به خدا! چه اندازه این سخنان تائب شیرین و گوارا است!

خداوندا! به سبب عزت تو وذلت خودم می‌خواهم که مرا ببخشی و بـه من رحم کنی.

به سبب قدرت و توانمندیت و ناتوانی و ضعفم و بی‌نیازیـت و فقـر و احتیاج من به تو از تو کمک و یاری می‌خـواهم، ایـن پیشـانی خطاکـار و دروغ‌پرداز من در برابر توست...

بندگانت غیر از من بسیار فراوان و بیشمارند، ولی من غیـر از شـما نـه آقا و سروری دارم و نه پناه‌گاهی...

هیچ نجات‌دهنده‌ای از عذاب شما غیر از شما ندارم...

از شما همانند مسکین و بیچاره‌ای که زاری می‌کند کمـک و اسـتعانت می‌طلبم...

و همانند فروتن و ذلیلی که خوار و ناتوان است به درگاه شما ناله می‌کنم...

و شما را همانند شخصی که وحشت کـرده و در تنگنـا و تـرس اسـت می‌خوانم...

آن هم همانند درخواست کسی که گردنش پائین افتاده است و بینی‌اش بر خاک مالیده شده است و چشمانش چـون چشـمه‌ای جوشـان اسـت و قلبش شکسته و ذلیل شده است...

اندکی در این حکایت و پندهای آن در ارتباط به توبه بیندیشید:

روایت شده یکی از صالحان از خیابانی می‌گذشت، ناگهان دید درِ منزلی باز شد و کودکی که کمک می‌خواست و گریه می‌کرد از آن خارج شد، مادرش نیز او را دنبال می‌کرد تا سرانجام در را به روی کودک بست و وارد منزل شد کودک اندکی دورتر رفته و در حالی که فکر می‌کرد ایستاد، اما پناه‌گاهی غیر از خانه‌ای که از آن خارج شده بود نیافت، همچنین کسی غیر از مادرش را نیافت تا خود را در آغوش او بیندازد. برگشت در حالی که قلبش شکسته و اندوهگین بود، دید در بسته است، به آن تکیه زده و گونه‌اش را بر آستانه در قرار داده با حالتی که اشک‌ها بر گونه‌هایش می‌غلطید خوابش برد. لحظاتی بعد مادرش بیرون آمد و به مجرد این که آن صحنه را دید خودش را بر کودک انداخته و گریان و نالان غرق بوسه‌اش کرد و می‌گفت: کجا رفتی پسرم، چه کسی غیر از من تو را پناه می‌دهد! آیا نگفتم با من مخالفت نکن و مرا برخلاف فطرت مادری‌ام که سرشار از رحمت و شفقت به توست وادار به تنبیه‌کردن نکن. سپس او را گرفت و وارد خانه‌اش کرد!!

اما خداوند از این مادر به بنده‌اش مهربان‌تر است و بیشتر به بنده‌اش رحم می‌کند.

رحمت مادر در برابر رحمت خداوندی که بر هر چیز گسترش یافته است کجا قرار می‌گیرد و چه اندازه است؟

خداوند آنگاه که بنده توبه می‌کند خشنود و خوشحال می‌شود. و ما هرگز از پروردگاری که خوشحال می‌شود بی‌بهره نمی‌مانیم.

(خداوند بسیار خشنود می‌شود از توبه‌ی بنده مؤمنش بلکه بسیار خشنودتر از آن کسی که در سفر کویر در معرض خطر قرار گرفته و راهوارش (شترش) که حامل خوردنی و نوشیدنی است در حالی که او در سایه درختی استراحت کرده و می‌خوابد رهایش می‌کند، و هرچه می‌گردد از این تپه به آن تپه می‌دودد آن را نمی‌یابد و چیزی نمی‌بیند، در آن حال گرما و عطش بر وجودش غلبه می‌کند و ناچار به محل اول برمی‌گردد تا در همانجا تسلیم مرگ شود و در حالی که کاملاً ناامید شده دراز می‌کشد ناگهان می‌بیند که راهوارش (شترش) بالای سرش ایستاده است و لگامش را می‌کشد با تمام خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و خوشحال می‌گردد[(۱)].

بدان ای برادر من! گناه در تائب صادق، دل شکستگی و ذلت در برابر پروردگارش ایجاد می‌کند، همچنین ناله توبه‌کنندگان نزد الله بسیار محبوب و دوست‌داشتنی است.

بنده مؤمن همیشه گناهانش را نصب العین قرار می‌دهد، به گونه‌ای که حالت دل شکستگی و پشیمانی را در او ایجاد می‌کند، در نتیجه به دنبال آن گناهان تن به طاعات و بندگی بیشتر می‌دهد و تا می‌تواند اعمال حسنه انجام می‌دهد، تا جایی که شیطان چه بسا بگوید: ای کاش او را در این گناه نمی‌انداختم. بدین سبب است که بعضی از توبه‌کنندگان، تبدیل به صالحان و شایستگانی می‌شوند که هرگز قبل از آن نبوده اند. آگاه باش که خداوند رحمان آنگاه که بنده تائبش به او روی می‌آورد هرگز خود را عقب نمی‌کشد.

۱- صحیح جامع ٣٦٨/٤.

آیا این داستان را شنیده‌اید؟!

در گذشته پسری تحت حمایت و سرپرستی پدرش با بهترین غـذاها و نوشیدنی‌ها زندگی می‌کرد بهترین لباس‌ها را بر او می‌پوشانید و نیکـوترین تربیت را برایش فراهم کرده و مخارجش را تامین کرده و دائمـاً در صـدد رفع تمام مایحتاجش بود تا آن که او را روزی برای انجـام کـاری فرسـتاد، ولی دشمنان ناجوانمردانه او را در راه گرفته و اسیرش کـرده و بـه شـدت بستند و به سرزمین دشمن بردند.

او هر بار که به یاد تربیت پدرش و احسان‌های پی در پی او مـی‌افتـاد، اندوه و حسرت دلش را به درد می‌آورد و آن همه نعمـت و محبـت را بـه یاد می‌آورد. ولی در اسارت دشمن بدترین شکنجه‌ها را تحمل می‌کـرد تـا آن که تصمیم گرفتند او را به قتل برسانند که ناگاه چشمش به پدرش افتاد که به او نزدیک شده و به طرفش می‌آید بـه طـرف پـدر دویـد و خـود را جلوی او انـداخت و اسـتغاثه مـی‌کـرد و مـی‌گفـت: پـدرجان، پـدرجان، پدرجان، به پسرت نگاه کن که به چـه حـالی افتـاده اسـت، در حـالی کـه اشک‌ها بر گونه‌هایش جریان می‌یافت. او پدرش را به آغوش گرفته بود و رهایش نمی‌کرد و از طرفی دشمنان هم به دنبالش بودند تا به او رسیدند و بر بالای سرش ایستاده و او همچنان پدر را رها نمی‌کرد.

آیا می‌گویی، پدرش او را در این حالت به دشمن تحویل می‌دهـد و از بار این مسئولیت شانه خالی خواهد کرد. بنابراین، گمانت در باره کسی که رحمتش به بندگانش از پدر و مـادر نسـبت بـه فرزندشـان بیشـتر اسـت، چیست؟!

هرگاه بنده از دشمن بگریزد و به سوی او روی آورد و خود را با تمام وجود در برابرش بیندازد و گونه‌هایشان را به خاک آستانه‌اش به همراه گریه و فغان بمالد و بگوید: ای پروردگارِ من! رحم کن بر کسی که هیچ رحم‌کننده‌ای جز شما ندارد، و هیچ یاری‌دهنده‌ای جز شما برایش وجود ندارد...

و هیچ پناه‌دهنده و حامی جز شما ندارد...

و هیچ کمک‌دهنده‌ای جز شما ندارد...

مسکین و بیچاره و فقیر توست و گدای آستانه‌ات می‌باشد...

تو تنها پناه‌دهنده‌اش هستی و پناهش تنها به سوی توست...

هیچ ملجاء و مأوایی از عذاب شما غیر از خود شما ندارد...

پس ای برادر، به انجام اعمال صالحه و خیر و کسب حسنات و همراهی با صالحان و نیکان بشتاب...

و از انحراف و شک بعد از هدایت و گمراهی بعد از رهیابی شدیداً بپرهیز، زیرا خداوند متعال همراه توست.

والسلام عليكم و رحمة الله :: الحمد لله الذي تتم بنعمته الصالحات.

***